

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۳۴

۱۳ تیر ۱۴۰۱

۴ ژوئیه ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

اعتراضات گسترده در نفت

اعتصابات داریست
بندان، کارگران اورهال
پالایشگاه تهران و کارگران
رسمی، صفحه ۱۳

تجمعات و راهپیمایی با شکوه

بازنشستگان نامین اجتماعی
صفحات ۱۵-۱۶

نامه سرگشاده اعتراضی ده
خانواده در مورد پرونده
سازی های امنیتی و ادامه
بازداشت ها، صفحه ۱۲

نسرین جوادی راهی زندان

شد

صفحه ۱۵

از مدیای اجتماعی

صفحات ۱۵-۱۷-۱۸



در بیستمین سالگرد درگذشت منصور حکمت یادش را گرامی میداریم

شهلا دانشفر: ۴ ژوئیه، ۱۳ تیر سالروز درگذشت منصور حکمت بنیانگذار حزب کمونیست کارگری، یک متفکر سیاسی، یک کمونیست، یک رهبر سیاسی و یک انسان برجسته و مبارز متعلق به دنیای امروز است. بیست سال پیش بود که او را متأسفانه از دست دادیم و از دست دادنش يك ضایعه بزرگ برای جنبش کمونیستی، طبقه کارگر و جنبش انقلابی ایران است. یاد منصور حکمت را در سالروز درگذشتش گرامی میداریم. بویژه در شرایطی که تقابل مردم با جمهوری اسلامی در تمام عرصه های اجتماعی نبرد هر روز تعمیق بیشتری می یابد، در شرایطی که جنبش کارگری وزن سنگینی در سیر تحولات سیاسی جامعه پیدا کرده و با عروج خود گفتمان های کارگری و چپ و رادیکال را به جلو می آورد، در شرایطی که در مبارزات مردمی این مصائب اساسی سرمایه داری حاکم است که هر روزه به چالش کشیده میشود و گفتمان انقلاب و سوسیالیسم هر روز بیشتر و بیشتر به جلو می آید، در لحظه به لحظه این پیشروی ها بیش از هر زمان میشود ایده ها و جای پای منصور حکمت را دید. میشود دید که او با چه تیزبینی ای چنین لحظات شورانگیزی را در نوشته هایش تصویر کرده است. کاش منصور حکمت زنده بود و شاهد این تحولات و این لحظات شورانگیز بود و مستقیماً در آنها دخالت میکرد. برآستی چقدر جای او خالیست و چقدر به نقش و وجود او در این اوضاع متحول ایران، منطقه و جهانی نیاز داریم. یاد منصور حکمت را گرامی میداریم و اینجا تاریخ شکست نخوردگان یکی از نوشته های جذاب و عمیق و ارزشمند او را بازتاب میدهیم.

تاریخ شکست نخوردگان

منصور حکمت، صفحه ۲

ما و منصور حکمت و تحولات جاری

یاشار سهندی، صفحه ۱۰

این حزب شماست، معرفی یک جزوه خواندنی از منصور حکمت

صفحه ۴



اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری-پیام ها

صفحات ۶-۸

قطعهنامه در مورد ملزومات عروج حزب برای کسب رهبری جنبش سرنوینی جمهوری اسلامی

مصوب پلنوم ۵۵ حزب کمونیست کارگری، صفحه ۹

تملک حکومت بر همه صندوق ها و منابع و داشته های بازنشستگان، قطع!

بازنشسته: شهناز کیان، صفحه ۱۶

تاریخ شکست نخوردگان

چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷

است. یک نسل کامل، شاید نیم بیشتر مردم، اصلا به این جهنم چشم گشوده اند و جز این خاطره ای ندارند. و برای بسیاری دیگر، زنده ترین خاطره، یاد چهره های فراموش نشدنی انسانهای پاکی است که بخون کشیده شدند. مگر نه اینست که نقطه آغاز این کابوس سال ۵۷ بود، سال انقلاب؟

شاید برای بعضی عاقبت نافرجام انقلاب ۵۷ در این روند "نو اندیشی" نقش داشته است. اما نه وسعت این ندامت و نه تلخی لحن و هیستری نواندیشان امروز، هیچیک را نمیتوان با ناکامی انقلاب ۵۷ توضیح داد. انگار کنار پلی نشسته اید و بازگشت لشگر شکست خورده ای را مبینید. غیر قابل انتظار نیست که این شکست خوردگان را محزون، مبهوت، ساکت و افسرده بباید. اما این جماعت مشت گره کرده اند. وقتی دقیق تر گوش میکنید، مبینید انگار دارند سرودی را زمزمه میکنند، آری، اشتباه نمیکنید، اینها دارند به جنگ میآیند، به جنگ "سرزمین" و "اردوگاه" و "قلعه" خود، یا بهرحال آنچه خود روزگاری چنین پنداشته و نامیده بودند. اینها دارند برای انتقام از "خود" و "خودی" های دیروز برمیگردند. برای کسی که از داخل قلعه به بیرون نگاه میکند، این حتما منظره هولناکی است.

کمتر انقلاب ناکام و جنبش شکست خورده ای چنین تلخ توسط مشتاقان دیروزش بدرقه شده است. انقلاب مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت، دوران حکومت آئنده، انقلاب پرتقال، اعتصاب معدنچیان انگلستان، برای مثال، همواره احترام زیادی نزد پیش کسوتان و شرکت کنندگان خود داشته اند. علت نو اندیشی امروز انقلابیون دیروز ایران را باید جای دیگری جستجو کرد. واقعیت اینست که همین سالها، سالهای پس از انقلاب ۵۷، در سطح جهانی مصادف با رویداد به مراتب مهمتری بود. سقوط بلوک شرق، که این اواخر دیگر فقط در تبلیغات عوام فریب ترین سخنگویان پیمانهای ورشو و ناتو و

میگویند در سالهای اخیر یک روند "بازبینی" و "بازنگری" در بین انقلابیون و چپگرایان اپوزیسیون ایران در جریان بوده است. نگاهی به نشریات متعددی که این طیف بویژه در خارج کشور منتشر میکند به وجود چیزی از این دست صحنه میگذارد، هرچند در اینکه "بازبینی" کلمه مناسبی برای توصیف این روند باشد جای تردید جدی هست. در خلوت، وقتی بیان حقیقت کسی را نمیرنجاند، میتوان این روند را یک روند ندامت توصیف کرد. اما در انظار عموم، جایی که، بویژه این روزها، نزاکت سیاسی (Political Correctness) حکم میراند، شاید کلمه "نو اندیشی" معادل بهتری باشد. یکی از اولین قربانیان این روند نو اندیشی مقوله انقلاب و انقلابیگری بطور کلی و انقلاب ۵۷ بطور اخص بوده است.

هر ماه کوهی مطلب توسط افراد و محافل و جریانات متشکل از بازماندگان و انقلابیون پا به سن گذاشته انقلاب ۵۷ منتشر میشود. خواندن و تعقیب کردن همه اینها و شریک شدن در مشغله ها و دنیاهای ذهنی نویسندگان آنها هم عبث و هم بسیار دشوار است. اما دیدن روند "نو اندیشی" که ذکرش رفت سخت نیست. میتوان از شیوه "تداعی معانی" که یک ابزار روانشناسی سود جست و عکس العمل این ادبیات را به کلمات کلیدی ای، مثلا خود مقوله انقلاب، چک کرد. تصویری که بدست می آید جای ابهام باقی نمیگذارد. انقلاب: افراط، انقلاب: خشونت، انقلاب: استبداد، انقلاب: انهدام.

و چرا که نه؟ آخر چه کسی از این بازماندگان انقلاب ۵۷ هست که بتواند یک لحظه چشمانش را ببندد و به ۱۷ سال گذشته فکر کند و خاطرات شیرینی به یادش بیاید؟ میلیونها مردم به زندگی در ارتجاعی ترین و وحشیانه ترین نظام اجتماعی محکوم شدند، جامعه ای مبتنی بر ترس، فقر و دروغ بنا شد که در آن خوشی ممنوع است، زن بودن جرم است، زندگی کردن جزا است و فرار غیر ممکن

تاریخ شکست نخوردگان

یازده نوشته از:
منصور حکمت

باز تقیرو از انتشارات مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

هالوترین طرفدارانشان به آن "اردوگاه سوسیالیسم" اطلاق میشد، یک زلزله سیاسی و اجتماعی بود که کل دنیا را تکان داد. نفس حذف یک قطب از جهانی دو قطبی، جهانی که همه چیزش، از اقتصاد و تولید تا علم و هنر، برای دهها سال بر محور تقابل این دو قطب شکل گرفته بود، به اندازه کافی زیر و رو کننده بود. اما آنچه در قلمرو افکار و اندیشه تعیین کننده بود، این واقعیت بود که حاکمان جهان و گله وسیع سخنگویان و مبلغین جیره خوارشان در دانشگاه ها و رسانه ها، توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از اینست که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرخنی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر سوسیالیسم، به چه منجلاهی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر تداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند. معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنزاع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم، راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه

فهرست

تاریخ شکست نخوردگان: چند کلمه به یاد انقلاب ۵۷	صفحه ۲
ماهواره و آل احمدهای بلاستیک	صفحه ۱۰
اسلام، حقوق کودک و حجاب - گیت راه کارگر	صفحه ۱۵
میرگرد عروج و افول اسلام سیاسی	صفحه ۲۷
ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم خواهد بود	صفحه ۲۵
اسلام بحثی از بصیرت در جامعه است	صفحه ۴۵
مجازات اعدام شیخ ترس شکل فل عمد است	صفحه ۵۱
زیر حجاب اجتناب	صفحه ۵۷
درباره آزادی بیان	صفحه ۵۹
درسهای بدعهدی براس	صفحه ۷۱
۲۰ سال گذشت: ۲۰ خرداد ۶۰	صفحه ۷۵
آزادی بیان از نوع دور	صفحه ۸۱

ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد.

موج "نو اندیشی" ای که بدنبال این ماجرا در سطح کل جهان براه افتاد دیدنی بود. در یک مسابقه بین المللی ندامت و خودشیرینی، فضایل دیروز عار شمرده شدند، اصول دیروز نفرین شدند و آرمانهای دیروز به ریشخند گرفته شدند. حقارت و تسلیم بعنوان معنی زندگی به کرسی نشست. در فرهنگ توابیت روشنفکران نظم نوین، هرکس که زندگی بهتری برای هموعانش میخواست و معتقد بود که وضع موجود میتواند و باید تغییر کند، هرکس که به برابری انسانها قائل بود و به یک آینده بهتر دعوتشان میکرد، هرکس که از لزوم تلاش جمعی آدمها برای تاثیرگذاری بر سرنوشت و سهمشان در جهان سخن میگفت، هرکس که دولت و جامعه را در قبال فرد و آسایش و آزادی او مسئول میدانست، از هزار و یک تربون، خوشخیال، قدیمی، کم عقل و پا در هوا لقب گرفت. یاس نشان خرد شد، رها کردن آرمان های والای بشری واقع بینی و درایت خوانده شد. ناگهان معلوم شد که هر ژورنالیست تازه استخدام و هر استادیار تازه به کرسی رسیده و هر سرهنگ بازنشسته پاسخ غولهای فکری جهان مدرن، از ولتر و روسو تا مارکس و لنین، را دارد و کل معضل آزادیخواهی و برابری طلبی و تلاشهای صدها میلیون انسان در چند قرن اخیر، جز اتلاف وقت بیحاصلی در مسیر رسیدن به عمارت با شکوه "پایان تاریخ" نبوده است و باید هرچه زودتر به فراموشی سپرده شود.



تاریخ شکست نخوردگان...

از صفحه ۲

در متن این فضای بین المللی است که انقلابیون دیروز به "باز اندیشی" پیرامون انقلاب ۵۷ و انقلابیگری بطور کلی نشسته اند؛ و نتایجی که گرفته اند بیش از آنکه از ناکامی انقلاب ۵۷ ناشی بشود، مدیون روند تسمخه ایده آله و اصول در مقیاس بین المللی است که چند سالی به مد روز بدل شد.

گفته اند که تاریخ را همواره فاتحین می نویسند. اما باید افزود که تاریخی که شکست خوردگان می نویسند به مراتب دروغین تر و مسموم تر است. چرا که این دومی جز همان اولی در لباس تعزیه و نوحه و تسلیم و خودفروبی نیست. اگر تاریخ داستان تغییر است، آنگاه تاریخ واقعی تاریخ شکست نخوردگان است. تاریخ جنبش و مردمی است که همچنان تغییر میخوانند و برای تغییر تلاش میکنند. تاریخ کسانی است که حاضر نیستند ایده آله و امیدهای خود برای جامعه بشری را دفن کنند. تاریخ مردم و جنبشهایی است که در انتخاب اصول و اهداف خویش مخیر نیستند و ناگزیرند برای بهبود آنچه هست تلاش کنند. انقلاب ۵۷ در تاریخ فاتحین و شکست خوردگان هر دو، پله ای در عروج اسلام و اسلامیت و مسبب شرایطی است که امروز در ایران حاکم است. در تاریخ واقعی، اما، انقلاب ۵۷ جنبشی برای آزادی و رفاه بود که در هم کوبیده شد.

مصائب دوران پس از انقلاب در ایران را باید پیای مسببین آن نوشت. مردم حق داشتند رژیم سلطنت و تبعیض و نابرابری و سرکوب و تحقیری را که شالوده آن را تشکیل میداد نخواهند و به اعتراض

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

برخیزند. مردم حق داشتند که آخر قرن بیستم شاه نخواهند، ساواک نخواهند، شکنجه گر و شکنجه گاه نخواهند. مردم حق داشتند در برابر ارتشی که با اولین جلوه های اعتراض کشتارشان کرد دست به اسلحه برند. انقلاب ۵۷ حرکتی برای آزادی و عدالت و حرمت انسانی بود. جنبش اسلامی و دولت اسلامی نه فقط محصول این انقلاب نبود، بلکه سلاحی بود که آگاهانه برای سرکوب این انقلاب، هنگامی که ناتوانی و زوال رژیم شاه دیگر مسجل شده بود، به میدان آورده شد. برخلاف نظرات رایج، جمهوری اسلامی وجود خود را در درجه اول مدیون شبکه مساجد و خیل آخوندهای جزء نبود. منشاء این رژیم قدرت مذهب در میان مردم نبود، قدرت تشیع، بیعلاقگی مردم به مدرنیسم و انزجارشان از فرهنگ غربی، سرعت بیش از حد شهرنشینی و کمبود "تمرین دموکراسی"، و غیره نبود. این خزعبلات ممکن است ببرد کاریر شغلی "شرق شناسان" نیم بند و مفسرین رسانه ها بخورد، اما سرسوزنی به حقیقت ربط ندارد. جریان اسلامی را همان نیروهایی به جلوی صحنه انقلاب ۵۷ کشیدند که تا دیروز زیر بغل رژیم شاه را گرفته بودند و ساواکش را تعلیم میدادند. آنها که پتانسیل رادیکالیزاسیون و دست چپی از آب در آمدن انقلاب ایران را میشناختند و از اعتصاب کارگران صنعت نفت درس خود را گرفته بودند. آنها که به یک کمربند سبز در کفش و قوسهای جنگ سرد نیاز داشتند. برای "اسلامی" شدن انقلاب ایران پول خرج شد، طرح ریخته شد، جلسه گرفته شد. هزاران نفر، از دیپلماتها و مستشاران نظامی غربی تا ژورنالیستهای همیشه باسرف دنیای دموکراسی ماهها عرق ریختند تا از یک سنت عقب مانده، حاشیه ای، کپک زده و به انزوا کشیده شده در تاریخ سیاسی ایران، یک "رهبری انقلاب" و یک آلترناتیو حکومتی برای جامعه شهری و تازه - صنعتی ایران سال ۵۷ بسازند. آقای خمینی نه از نجف و قم و در راس خیل ملاهای خر سوار دهات سر راه، بلکه از پاریس آمد و با پرواز انقلاب. انقلاب ۵۷ تجسم اعتراض اصیل مردم محروم ایران بود، اما "انقلاب

اسلامی" و رژیم اسلامی محصول جنگ سرد بود، محصول مدرن ترین معادله سیاسی جهان آن روز. معماران این رژیم، استراتژیستها و سیاست گذاران قدرتهای غربی بودند. همانها که امروز از درون لجنزار نسبی گرایی فرهنگی، هیولای مخلوق خودشان را به عنوان محصول طبیعی "جامعه شرقی و اسلامی" و درخور مردم "جهان اسلام" یکبار دیگر مشروعیت میبخشند. کل امکانات اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی غرب برای ماهها قبل و بعد از بهمن ۵۷ برای به کرسی نشاندن این رژیم و سر پا نگاهداشتن آن بسیج شد.

اما اینکه نفس اجرای این مهندسی اجتماعی در ایران مقدور شد، مدیون اوضاع و احوال و نیروهای سیاسی و اجتماعی داخل ایران بود. ماتریال کافی برای این کار فراهم بود. حرکت اسلامی در همه کشورهای منطقه وجود داشته است. اما تا رویدادهای ایران در هیچ مقطعی این جنبش به یک جریان سیاسی قابل اعتنا و یک بازیگر اصلی در صحنه سیاسی این کشورها بدل نشده بود. (ضد) انقلاب اسلامی را نه به نیروی ناچیز حرکت اسلامی، بلکه روی دوش سنتهای سیاسی اصلی اپوزیسیون ایران ساختند. ضد انقلاب اسلامی را روی دوش سنت ملی و باصطلاح لیبرالی جبهه ملی ساختند که از کارگر و کمونیست بیش از هر چیز هراس داشت و تمام عمرش را زیر شنل سلطنت و عبای مذهب به جویدن ناخنهایش گذرانده بود. سنتی که در تمام طول تاریخش قادر نشد حتی یک تعرض نیم بند سکولار به مذهب در سیاست و فرهنگ در ایران بکند. سنتی که رهبران و شخصیتهایش جزو اولین بیعت کنندگان با جریان اسلامی بودند. ضد انقلاب

اسلامی را روی دوش سنت حزب توده ساختند که ضد - آمریکایی گری بهر قیمت و تقویت اردوگاه بین المللی اش فلسفه وجودی اش را تشکیل میداد و رژیم اسلامی را، مستقل از اینکه چه به روز مردم و آزادی میاورد، زمین باروری برای مانور و مانیپولاسیون میدید. رژیم اسلام را روی دوش سنت منحط ضد - مدرنیست، ضد "غرب زدگی"، بیگانه گریز، گذشته پرست و اسلام زده حاکم بر بخش اعظم جامعه هنری و روشنفکری ایران ساختند که محیط اولیه اعتراض جوانان و دانشجویان را شکل میداد. خمینی پیروز شد، نه به این خاطر که مردمانی خرافاتی عکس او را در ماه دیده بودند، بلکه به این خاطر که اپوزیسیون سنتی و این فرهنگ منحط ملی و عقبگرا، او را، که در واقع وارداتی ترین و دست سازترین شخصیت سیاسی تاریخ معاصر ایران بود، "ساخت ایران"، خودی و ضد غربی تشخیص داد و به تمجیدش برخاست. ضد انقلاب اسلامی محصول این بود که ابتکار عمل در صحنه اعتراضی از دست حرکت مدرنیستی - سوسیالیستی کارگران صنعت نفت و صنایع بزرگ، به دست اپوزیسیون سنتی ایران افتاد. اینها بودند که پرسوناژ خمینی و سناریوی انقلاب اسلامی را از غرب تحویل گرفتند و عملا به توده مردم معترض فروختند.

علیرغم همه اینها، معرکه گیری اسلامی تنها توانست وقفه ای در روند انقلاب ۵۷ ایجاد کند. رویدادهای دوره بلافاصله پس از قیام بهمن نشان داد که دینامیسم انقلاب هنوز برجاست. نشان داد که مردم، هرچه بر زبانشان انداخته شده بود،



این حزب شما است

منصور حکمت

پوست جلد ماست زیر بار هویت‌هایی که در اول زندگی‌مان برایش تراشیده میشود مدفون است، بار هویت‌هایی که آنرا در فضا حس میکنید که هر روزه هست.

سخنرانی منصور حکمت

”میخواهم بگویم قلب کمونیسم کجاست، میخواهم بگویم حزب کمونیست کارگری قلبش کجا میزند. من فکر میکنم ما شانس داریم برای اینکه اکثریت عظیم مردم در جهان کمونیست هستند و خودشان نمیدانند. من فکر میکنم زیپ پوست هر انسان منصفی را باز کنید یک کمونیست بلشویک را میبینید که میخواهد از آن بیرون بیاید. در وجود تک تک ما سوسیالیست‌های پرحرارتی نهفته است که میخواهد از این قالب بیرون بزند. از قالب‌هایی که هیچکدام از آنها از بدو تولد همراه ما نبوده‌اند. قالب نژادی، قالب مذهبی، قالب ملی، قالب قومی، قالب سنتی، قالب جنسیتی، هیچکدام اینها هویت ما را در بدو تولدمان شکل نداده‌اند. من معتقدم آن سوسیالیسم درونی ما، آن آدم سوسیالیستی که داخل

امروز خویش است. نوآندیشان ما نیز در نگاه به انقلاب ۵۷، در پی برافراشتن پرچمی در ایران ۷۵ هستند. اما این پرچم همیشه وجود داشته است. اینکه هر بار چه کسی، با چه تشریفات و با زمزمه چه اوراد و آیاتی، زیر این پرچم حضور به هم میرساند مساله ای ثانوی است.

انتشار اول: فصلنامه نقطه، شماره ۴ و ۵، زمستان ۷۴ و بهار ۱۳۷۵
این مقاله مجددا در خرداد ۱۳۷۵، ژوئن ۱۹۹۶، در نشریه انترناسیونال شماره ۲۹ منتشر شد.

به نقل از انترناسیونال هفتگی شماره ۴۰ - ۲۱ بهمن ۱۳۷۹ - ۹ فوریه ۲۰۰۱

ترین شکل در هم بکوبد. دستور کار هر دورژیم یک چیز بود.

نیم بیشتر مردم ایران جوان تر از آنند که حتی خاطره گنگی از انقلاب ۵۷ داشته باشند. رابطه اینها با رویدادهای آن دوره بی شباهت به رابطه نسل انقلابیون ۵۷ با وقایع دوران مصدق و ماجرای ۲۸ مرداد نیست. دورانی سپری شده و غیر قابل لمس که ظاهراً فقط در ذهن نسل معاصر خودش زنده و مهم تلقی میشود. روایتها از آن دوران زیاد و مختلفند، اما بیش از آنکه چیزی راجع به حقیقت تاریخی بگویند، راجع به خود راوی و مکانش در دنیای امروز حکم میدهند. انسان همیشه از دریچه امروز به گذشته مینگرد و در آن در جستجوی یافتن تائیدی بر اراده و عمل

این حزب شماست

کمونیست دو آتشف در آنها خواهید دید حتی اگر خود را کمونیست ندانند. اما احزاب و روشنفکران طبقه حاکم، آیت اله ها و مفتخورها، از کمونیسم، از کمونیست ها و از حزب کمونیست کارگری تصویری دروغین به مردم میدهند تا مردم را از آن دور کنند، تا بازار خرافات آنها رونق داشته باشد و بساط مفتخوران و انگلهای حاکم پا برجا بماند. این جزوه واقعیت ابعاد وسیع و گسترده کمونیسم را توضیح میدهد و افق روشنی مقابل اعضا و فعالین حزب میگذارد که این نیروی وسیع در اطراف خود را ببینند و آنها را موضوع کار خود برای متشکل کردن آنها و تبدیل آنها به اعضای حزب قرار دهند. جزوه "این حزب شماست" را بخوانید و به دوستان و آشنایانتان بدهید.

در آبان ۱۳۷۸ و فروردین ۷۹ منصور حکمت از سخنرانان دو جلسه گفت و شنود علنی با رهبران حزب کمونیست کارگری در شهرهی استکهلم و گوتبرگ سوئد بود. متن این دو سخنرانی در جزوه ای تحت عنوان این حزب شماست منتشر شده است. این سخنرانی ها بحثی است در مورد قلب کمونیسم. متون ارزشمندی که در مقابل درک کلیشه ای و کتابی از کمونیسم، درکی اجتماعی و زمینی ارائه میدهد و منبع آموزشی مهمی برای کسانی است که میخواهند با حزب کمونیست کارگری و کمونیسم ما آشنائی بیشتری پیدا کنند. در این سخنرانی ها منصور حکمت تاکید میکند که اکثریت مردم جهان انسان های شریف و منصفی هستند و زیپ پوستشان را بشکافی یک

از صفحه ۳

تاریخ شکست نخوردگان...

خمینی، بازگان، سنجابی، مدنی، فروهر، یزدی، بنی صدر، رجایی و بهشتی، نامهایی هستند که باید بدنبال محمدرضا پهلوی، آموزگار، شریف امامی، بختیار، اویسی، ازهارای و رحیمی آورده شوند، بعنوان مهره هایی که یکی پس از دیگری جلوی صحنه میآیند تا شاید راه انقلاب و اعتراض مردم را سد کنند. رژیم سلطنت و مهره های رنگارنگش در مقابل ضربات پی در پی جنبش اعتراضی شکست خوردند. حکومت اسلامی، در عوض، قادر شد فرصت بخرد، نیروی ارتجاع را بازسازی کند و انقلاب مردم را به خونین

بهرحال نه برای اسلام بلکه برای آزادی و رفاه اجتماعی به میدان آمده بودند و هنوز در میدان مانده بودند. بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی بسیار خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است.

قدردانی کمیته مرکزی از کمیته کانال جدید و همکاران آن

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری مراتب قدردانی خود را از کمیته تلویزیون کانال جدید و همه همکاران آن بخاطر فعالیت های درخشانش در بردن سیاستها و رهنمودهای حزب بمیان بخش وسیعی از جامعه و بازتاب رسای صدای اعتراضات بخش های مختلف مردم اعلام میکند

ماهواره پاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یونلتست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین،

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

اطلاعیه پایانی

پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران



های شاعرانویسی و پخش و نصب تراکت در استانهای مختلف کشور نیز از جمله اقدامات این دوره سازمان جوانان بود. بدنبال این گزارشات، مسئولین کمیته های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خارج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئول کمیته مالی حزب و همینطور بیست نفر از مسئولین سایر ارگانها و عرصه ها گزارش کوتاهی از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همینطور کادرهای شرکت کننده در پلنوم فعالانه به بحث حول گزارش و فعالیت های مختلف حزب پرداختند و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند. سمیر نوری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق نیز گزارشی از وضعیت عراق و فعالیت های این حزب ارائه داد.

در این نشست نیز آنچه بیش از هر چیز جلب توجه میکرد و شورانگیز بود فعالیت های متنوع و رو به رشد حزب بود. گزارشات ارائه شده به پلنوم تصویر یک حزب شاداب، دخالنگر و موثر در عرصه های مختلف اعتراضات و مبارزات در داخل و خارج کشور را به نمایش میگذاشت.

در نشست کمیته مرکزی حزب قطعنامه ای در مورد: "ملزومات عروج حزب برای کسب رهبری جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی به تصویب رسید. قرارای نیز در باره اهمیت و امکان برپایی اعتصابات همزمان علیه جمهوری اسلامی به پلنوم ارائه شده بود که ادامه بحث و تصمیم گیری در مورد آن به دفتر سیاسی آتی ارجاع شد.

در نشست کمیته مرکزی حزب پیام هایی نیز خطاب به مردم ایران، به خانواده های جانباختگان متروپل و مردم آبادان، به معلمان، به بازنشستگان و به مردم جهان قرائت شد.

سیاسی اولین فرصتی بود که رهبری اجرایی حزب در جریان موضوعی قرار میگرفت و عکس العمل نشان میداد. دفتر سیاسی در این دوره نیز کماکان در زمینه نظارت بر کار هیئت اجرایی و همچنین ایجاد هم نظری و کمک به پخته شدن سیاستهای حزب ایفای نقش کرد. همینطور مباحثی نظیر چه باید کرد حزب، استراتژی حزب در قبال سناریوهای مختلف، تحلیل و تبیین جنگ اوکراین، حزب در داخل کشور، برخورد حزب به مذهب و اسلام سیاسی، پلاتنوم حزب در اول مه امسال و غیره در دفتر سیاسی بحث شده است. دفتر سیاسی در جهت انجام وظیفه سیاستگذاری خود نیز دو سند را برای ضابطه مند و ابژکتیو کردن پرداخت کمک هزینه ها تصویب کرد.

کیان آذر در سخنرانی خود به فعالیتهای ششماه گذشته سازمان جوانان کمونیست پرداخت و به ساماندهی اعضا و فعالین سازمان جوانان در داخل و خارج کشور حول فعالیتهای مختلف با توجه به روند مبارزاتی در جامعه مانند سازمان پیدا کردن در محله و شهر و حضور سازمانیافته در تجمعات اعتراضی، تظاهرات و فعالیتهای میدانی در سطح شهر و نیز تهیه و ارسال گزارشات و پیامها از شهرها و استانهای مختلف کشور اشاره کرد که این اقدام در شرایط اعتراضی نظیر اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱ منبعی غنی برای شبکه های اجتماعی و برنامه های تلویزیونی فراهم کرد. بازگشایی حضوری دانشگاهها بار دیگر امکان ابراز وجود توده ای دانشجویان و ایفای نقش به عنوان یک جنبش مهم سیاسی در فضای جامعه را فراهم کرد و فعالیتهای بخش دانشجویی سازمان جوانان هم به صورت فشرده تر و متمرکزتر در دانشگاهها به پیش برده شد. سازمان جوانان همچنین نقش فعالی در جهت دادن به فعالین رنگین کمانی برای دخالت در مناسبتها و رویدادهای مهم سیاسی جامعه داشت. سازماندهی تیم

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست

جامعه ای هر دو پر کار و هر دو در حال پیشروی. او به فعالیت چشمگیر میدانی حزب و نمونه هایی از نقش و پیشروی حزب اشاره کرد: حضور تنگاتنگ در اعتراضات بازنشستگان و معلمان، کارگران نفت و برخی مراکز کارگری دیگر، حضور در دانشگاهها، در جنبش رهایی زن، در جنبش دادخواهی و زندانیان سیاسی، رنگین کمانی ها، گسترش فعالیت در خوزستان و حضور بیشتر در اعتراضات خیابانی، تحرک قابل توجه حزب در خارج در حمایت و همبستگی با اعتراضات مردم ایران، مقابله با اسلام و اسلام سیاسی از جمله حکم اخراج یکی از آخوندهای وابسته به خامنه ای از مسجد هامبورگ و جلوگیری از پخش اذان در آلمان، پروژه عضوگیری وسیع در ایران، دفاع از حقوق پناهندگی، تقویت همبستگی میان مردم ایران و افغانستان، حقوق کودک، جلب همبستگی با کارگران ایران، فعالیت برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، کمپین موفق مالی، رفتن کانال جدید روی ماهواره سوم و پیشروی های کانال جدید و عرصه های متنوع دیگر علیه جمهوری اسلامی. فعالیت های متنوع سیاسی و میدانی حزب موقعیت حزب را در جامعه جلوتر برده و حزب بیش از پیش شناخته شده است.

اسامی ۳۲ عرصه فعالیت که مسئولان آن بصورت کتبی یا شفاهی به پلنوم گزارش دادند ضمیمه است.

مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی حزب گفت در فاصله بین کنگره دوازدهم و پلنوم پنجاه و پنجم، دفتر سیاسی مجموعاً ۱۵ جلسه برگزار کرده است. حتی نگاهی به تیتراژ مباحث دفتر سیاسی که در گزارش کتبی ارائه شده به پلنوم آمده نشاندهنده جوش و خروش خیره کننده در جامعه و دخالتگری شورانگیز حزب ماست. در دوره اخیر بخش عمده ای از وقت جلسات دفتر سیاسی صرف گزارشدهی رفا از فعالیت های کمیته ها و ارگانهای مختلف و نهادهای مورد حمایت حزب شد. در مواردی بخاطر سرعت تحولات در ایران، جلسه دفتر

پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب در روزهای ۳ تا ۵ تیر ۱۴۰۱ (۲۴ تا ۲۶ ژوئن ۲۰۲۲) با حضور اکثریت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به یاد ایرج فرجاد عزیز که متأسفانه در این فاصله او را از دست دادیم و به یاد منصور حکمت عزیز شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم گیری های لازم به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی افتتاحیه خود با اشاره به خیزش توده ای و اعتراضات و اعتصابات جاری در جامعه و ضرورت عروج رهبری انقلابی، بر نقش ویژه حزب کمونیست کارگری در این شرایط تاکید کرد. او اعلام کرد حزب کمونیست کارگری به اعتبار برنامه و سیاستها و عملکرد چند دهه ساله اش نیروی است که میتواند و باید توده پیاخته مردم علیه جمهوری اسلامی را متحد کند و سازماندهی و رهبری انقلابی که در شرف تکوین است را بدست بگیرد. او تاکید کرد که حزب این آمادگی را دارد چرا که شعارها و مطالبات مردم معترض، از معیشت منزلت حق مسلم ما است تا آخوند باید گم بشه و از تحصیل و درمان رایگان تا اداره شورائی جزئی از خواستها و اهدافی است که حزب ما از بدو فعالیت خود برای تحقق آنها مبارزه کرده است.

بدنبال تصویب آیین نامه و دستور جلسات کمیته مرکزی، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. او ضمن اشاره به گزارش ۲۶ ارگان و فونکسیون و کارزارها و گزارش ۱۸ صفحه ای کتبی که از قبل برای کمیته مرکزی و مشاورین ارسال شده بود گفت در ششماه گذشته نیز شاهد یک جامعه سرزنده و پرتحرک، و تحرک همه جانبه حزبی هستیم که در جامعه تپیده شده و نبضش با مردم معترض و خیزش ها و اعتصابات و اعتراضات میتپد. حزب و



را سرعت ببخشیم، و هم استقرار مناسباتی آزاد و برابر و انسانی را تضمین کنیم. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۱، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲

و انقلابی، مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب، فعالین جنبش کارگری و جنبش های برابری طلبانه و ضد تبعیض را فرامیخواند به حزب کمونیست کارگری پیوندید تا به کمک یک حزب گسترده و قدرتمند و متشکل هم سرنگونی حکومت

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۵...

از صفحه ۵

گزارش دادند (مجموعاً ۳۲ نفر با ۱۲۰ صفحه گزارش کتبی):

اصغر کریمی از هیئت اجرایی، مصطفی صابر از دفتر سیاسی، شهلا دانشفر از کمیته سازمانده، عبدال گلپریان از کمیته کردستان، محمد شکوهی از کمیته

آذربایجان، آذر پویا از کمیته مالی، کیا صبری صندوقدار مرکزی حزب، کیان آذر از کمیته کانال جدید، سیاوش مدرسی از کمیته خارج، میثم عتیق از سازمان جوانان، شیرین شمس از انقلاب زنانه، امیر توکلی و محمد شکوهی از سایتها، نشریات حزب: نسان نودینیان

(انترناسیونال) شهلا دانشفر (کارگر کمونیست)، کیوان جاوید (ژورنال روزانه)، کاظم نیکخواه گزارش اطلاعیه های حزب، بهرام سروش از دفتر ارتباطات بین المللی، کیوان جاوید از ستاد جمع آوری کمک مالی، محسن ابراهیمی از مرکز عضوگیری وسیع در ایران، مدیای اجتماعی حزب: عظیم مطور (تلگرام)، حمید رحیم پور (فیس بوک)، جمال صابری (تویتر) امیر توکلی (اینستاگرام)، پریسا پوننده از کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مینا احدی گزارش فعالیت علیه اسلام سیاسی، سخنرانی ها و سایر فعالیت ها، هرمزرها از کمیته بین المللی علیه اعدام، عبدالله اسدی از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، سیامک بهاری از کودکان مقدمند، میلاد

رسایی منش از اکس مسلم، سیامک بهاری از برنامه با هم و بهروز بهاری در مورد کلاب هاوس.

نشست کمیته مرکزی همچنین از کمیته کانال جدید و همکاران آن بخاطر فعالیت های درخشان این رسانه در بردن سیاستها و رهنمودهای حزب بمیان بخش وسیعی از جامعه و بازتاب رسای صدای اعتراضات مردم قدردانی کرد.

در مبحث انتخاب ابتدا حمید تقوایی بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنال آن ۲۵ نفر بعنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، بهروز بهاری، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، شیوا محبوی، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم در فضایی پرشور و با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی به پایان رسید. در انتخابات برای تعیین رئیس دفتر سیاسی که بعد از انتخاب اعضای دفتر سیاسی انجام شد محسن ابراهیمی بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ تیر ۱۴۰۱، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

ضمیمه:

اسامی ارگان ها، فونکسیون ها و کادرهای حزب در نهادهای مورد حمایت حزب که شفاهی و کتبی به پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به مردم مبارز ایران!

لغو حجاب اجباری و در هم شکستن آپارتاید جنسی تا جمع کردن مذهب از دولت و قوانین و مدارس و دانشگاهها، و از "آخوند باید گم بشه" تا اداره شورائی، فریاد اعتراض جامعه ای است که میخواهد از شر جمهوری اسلامی رها شود. این خواستهائی است که بر پرچم جنبش سرنگونی طلبانه ما مردم، و انقلابی که در آستانه آن هستیم، نقش بسته است. انقلابی که باید با سرنگونی جمهوری اسلامی در اولین گام اهداف زیر را متحقق کند:

انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم؛ انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت؛ بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بودهاند؛ الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی؛ بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند؛ و پیگرد بین المللی مقامات جنایتکار فراری حکومت!

حزب کمونیست کارگری بیش از از سه دهه است که در جهت تحقق این اهداف مبارزه کرده است، با صفوف متشکل خود در جهت تقویت و پیشبرد اعتراضات علیه حکومت اسلامی نقش ایفا کرده است، در خارج از ایران مدام برای انزوای سیاسی حکومت اسلامی تلاش کرده است و امروز با تمام قوا مبارزه میکند تا پیروزی علیه جمهوری اسلامی و استقرار نظامی سوسیالیستی مبتنی بر برابری و آزادی و رفاه برای همگان تضمین شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری بار دیگر به شما مردم سرنگونی طلب درود میفرستد و شما نیروهای چپ

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، به شما مردم مبارز که عزم کرده اید جمهوری اسلامی را سرنگون کنید درود میفرستد.

شما کارگران، شما معلمان و بازنشستگان و پرستاران، شما کشاورزان و زنان و مردان دادخواه، شما دانشجویان و اقشار مختلف مردم با اعتراضات مداوم و شعارهای کوبنده تان در اعتراضات خیابانی علنا اعلام کرده اید که حکومت اسلامی و سران دزد و قاتلش را مسئول مستقیم وضع فلاکت بار اقتصادی، بیحقوقی سیاسی و اجتماعی، و تعرض به همه جلوه های زندگی خود می دانید و مبارزه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی را مصممانه آغاز کرده اید.

شما مردم با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای و رژیسی"، در کنار فریاد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد"، دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکاست" و دهها شعار علیه دزدان و قاتلان حاکم، همچنین با مقابله جسورانه با نیروهای سرکوب حکومت، نشان داده اید که میدانید اولین مانع در مقابل رسیدن به یک زندگی شایسته انسان، حکومت اسلامی است و مصمم هستید آن را از سر راهتان جارو کنید.

حزب کمونیست کارگری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. نظامی با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از هر نوع تبعیض و نابرابری، نظامی که در آن مبنای اقتصاد و سیاست و فرهنگ، انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی باشد. نظامی که در آن از بردگی مزدی میلیونها انسان در خدمت اقلیتی میلیاردی و مفتخور و چپاولگر به نام سرمایه دار اثری نباشد.

همه خواستهها و شعارهای ما مردم: از پایان بخشیدن به "فلاکت عمومی و حقوقهای نجومی" تا افزایش دستمزدها، از تحصیل و درمان رایگان تا تامین معیشت و رفاه برای همگان، از آزادی زندانیان سیاسی تا لغو مجازات اعدام، از



پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به بازنشستگان

حزب کمونیست کارگری به همه شما بازنشستگان که فریاد شعارهایتان هر روز در خیابانهای شهرهای سراسر کشور طنین می اندازد درود میفرستد. به شما بازنشستگان که از معیشت و منزلت و درمان رایگان و زندگی انسانی دفاع میکنید و در برابر تعرضات حکومت اسلامی به زندگی و معیشتان محکماستاده اید و کوتاه نمی آید. جمهوری اسلامی و مافیای اختلاس گر سرمایه داری که سونامی مفتخوریشان گریبان همه کارگران و مردم را گرفته است از سفره فقیرانه و حقوق ناچیز شما نیز نمیگذرد. خشم عمیق شما از این اختلاسگران بیرحم و جنایتکار و جدال

جانانه شما با دزدان حاکم بر اوستی حماسه است و شما را به سنگر دادخواهی و مبارزه برای منزلت و معیشت و آزادی تبدیل کرده است. درود به همه شما که در کنار کارگران معترض، وزیر بی کفایت حکومتی را وادار به استعفا کردید، مجلس و دولت اسلامی را به جان هم انداختید و وادارشان کردید تا مصوبه افزایش نازل ده درصدی را باطل اعلام کنند و در برابر شما سر تعظیم فرود آورند. اما میدانیم که این عقب نشینی ها کافی نیست. این نوع عقب نشینی ها تنها نشانه قدرت ما است. لازم است اتحاد و تعرضمان را بیشتر کنیم. لازم است محکم و قاطع بر آزادی اسماعیل گرامی و همه زندانیان سیاسی

پافشاری کنیم و افزایش فوری حقوقها به میزان معیشت مناسب و همه خواستههای دیگرمان را فریاد بزنیم. حزب کمونیست کارگری همچون همیشه از مبارزات و خواستههای شما فعالانه حمایت میکند. حزب بر اتحاد مبارزاتی بازنشستگان با معلمان و دیگر بخش های کارگر ان و کل جامعه که خواستههای مشترکی اعتراضاتمان را به هم پیوند میدهد تاکید دارد. حزب همچنین با تاکید بر تشکیلیابی سراسری جنبش های

اجتماعی، ایجاد شورایی برای هماهنگی تشکلهای بازنشستگان را که متکی بر تصمیم گیری شورایی و جمعی باشد، بسیار حیاتی میداند. ما همه بخش های جامعه را به همبستگی و دفاع از خواستهها و مبارزات شما بازنشستگان فرا میخوانیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ تیر ۱۴۰۱، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲
این پیام در پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قرائت شد

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به معلمان

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به شما معلمان که با اعتصابات و تجمعات بزرگ و قدرتمندان علیه فقر و بی تاملی و بی حقوقیها حماسه آفریدید و با بدست گرفتن پرچم آموزش رایگان، غیر کالایی، غیر ایدئولوژیک و شاد و انسانی، خواست همه مردم را نمایندگی میکنید، درود میفرستد.

درود بر شما که با بدست گرفتن خواستههای عمومی مردم صدای رسای اعتراض کل جامعه هستید؛ شما که نشان داده اید ارباب فایده ندارد و با قدرت مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده اید؛ شما که توانسته اید یک کانون داغ و نقطه اتکاء مهم اعتراضات مردمی را شکل دهید.



در حمایت از اعتراضات کارگران نفت

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری از خواستهها و مبارزات شما کارگران نفت، شامل کارگران قرارداد موقت، کارگران پروژه ای، کارگران ارکان ثالث و همین امروز شما کارگران داربست بند که علیه سطح نازل حقوقها و شرایط نامناسب کار و برای خلع ید از پیمانکاران در اعتصاب و اعتراض هستید، فعالانه حمایت میکند و به همه کارگران نفت در همه بخش ها درود میفرستد.

اتحاد بخش های مختلف کارگران نفت برای مقابله با سرمایه داران مفتخور و پیمانکاران و حکومت اسلامی شان بسیار حیاتی است و حزب تمام تلاش خود را در جهت اتحاد و همبستگی کل کارگران نفت، خنثی کردن توطئه های تفرقه افکنانه

در صفوف کارگران توسط جریانات و نیروهای سازشکار و حکومتی، و موفقیت مبارزات و اعتصابات و اعتراضات نفت به کار میگیرد. تجربه تشکیل مجمع عمومی کارگران در هفشجان و اتکا به شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت گامهای ارزنده ای است که باید آنها را تکثیر کرد و گسترش داد.

زنده باد کارگر نفت ما!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۳ تیر ۱۴۰۱، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲
این پیام در پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قرائت شد

کمیته مرکزی حزب، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و خصوصا خانواده های دانش آموزان را به حمایت از خواستهها و جنبش عادلانه و آزادیخواهانه شما، این سنگر مهم مبارزاتی در جامعه، فرا میخواند.

تنگ و نفرت بر حکومت جهل و سرکوب اسلامی.

درود به همه معلمان حق طلب!
کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۱، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲
این پیام در پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قرائت شد

جمهوری اسلامی از همین مکان اجتماعی و مبارزاتی شما وحشت دارد. از تجمعات بزرگ شما که دامنه اش تمام استانها را در بر گرفته و از وصل شدن مبارزاتمان به اعتراضات مردمی در کف خیابان وحشت دارد. برایتان پرونده سازی امنیتی میکند، دست به دسیسه های مسخره و رسوا میزند تا مبارزات شما را عقب براند. تجمع بیست و ششم خرداد

پیام به سازمان های کارگری، به سازمان های مدافع حقوق زنان، به نهادهای مدافع حقوق انسانی و همه مردم شریف جهان

پس از سرنگونی جمهوری اسلامی به مردم ایران بازگردانند!

در یک جمله، بر این دولت ها فشار بیاورید که جمهوری اسلامی را بایکوت کرده، از جامعه جهانی بیرون کرده و آن را بعنوان دولت ایران برسمیت نشناسند!

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران به شما مردم شریف جهان که همواره در کنار مردم ایران ایستاده و از مبارزات آنان حمایت کرده اید درود می فرستد، و در شرایطی که مردم ایران می روند که حکومت اسلامی را با انقلاب خود بزرگ بشکنند، خواهان حضور هر چه وسیع تر و فعال تر شما در یاری رسانی به مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپا ساختن یک جامعه انسانی آزاد و برابر است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- ۴ تیر ماه ۱۴۰۱، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۲ این پیام در پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قرائت شد

شوند از آن مجامع بیرون کنند! بر سازمان جهانی کار (آی ال او) فشار بیاورید که حکومتی را که کارگران را به فقر و فلاکت مطلق کشانده و رهبران کارگری را به زندان انداخته است از این سازمان که اسم کارگر بر خود دارد اخراج کند!

سازمان ها و فدراسیون های ورزشی جهانی را وادار کنید که بخاطر آپارتاید جنسیتی علیه زنان، تبعض و ستم بر ورزشکاران و جنایت علیه بشریت، حکومت اسلامی را از ورزش جهانی و بازی های المپیک بیرون کنند!

از دولت هایتان بخواهید که جنایتکاران فراری این حکومت را، همانطور که در مورد حمید نوری در کشور سوئد اتفاق افتاد، هر جا که پایشان به آن کشورها رسید، دستگیر و بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کنند!

از دولت ها بخواهید که حساب های بانکی و سرمایه گذاری های سران این حکومت در آن کشورها را مسدود کرده و بعنوان اموال به سرقت رسیده مردم ایران،

بدنبال منافع یک اقلیت متمول استثمارگر در آن کشورها و مصلحت های سیاسی و اقتصادی قشر حاکم هر جا توانسته اند با ماماشات و کنار آمدن و بده بستان و مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی در مقابل مبارزه مردم ایران برای سرنگونی آن حکومت عملاً سنگ انداخته اند، و می اندازند.

به دولت هائی که به نام شما هنوز به این حکومت امید بسته اند و از آن دست نشسته اند بگوئید که حکومت اسلامی ایران نماینده مردم ایران نیست، قاتل آنهاست!

به آنها فشار بیاورید که روابط سیاسی خود با حکومت اسلامی را قطع کنند، سفارتخانه ها، مساجد و سایر مراکز تروریسم و صدور امام و آخوند و جاسوس و ماموران قدس این حکومت در قلب اروپا و سایر کشورهای غربی را ببندند!

دولت ها را وادار کنید که نمایندگان این حکومت را که بنام مردم ایران در مجامع عمومی بین المللی ظاهر می

چنانکه می دانید توده های وسیع مردم ایران، کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان و جوانان، درگیر مبارزه ای هر روزه برای بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی و برای دستیابی به یک زندگی شاد و مرفه مبتنی بر آزادی و برابری و فارغ از ستم و تبعیض و فقر و استثمار و حکومت مذهبی و خرافه اند.

مردم ایران بپا خاسته اند تا جمهوری اسلامی را سرنگون کنند تا هم خود و هم جهان را از شر این هیولا که زندگی دو نسل از مردم ایران، منطقه و جهان را به تباهی کشانده است رها سازند.

مردم ایران، همچنانکه در شعارهای خود در خیابان ها فریاد زده اند "دشمن ما همینجاست، دروغ میگن آمریکااست"، خواهان بیشترین نزدیکی با مردم جهان و همزیستی با جوامع پیشرفته و متمدن جهانی اند و خود را هم سرنوشت با مردم آزاده جهان در مبارزه شان برای دستیابی به یک زندگی انسانی می دانند.

در عین حال مردم ایران می بینند که چطور دولت هائی که بنام شما سر کارند،

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به خانواده های جانبختگان فاجعه متروپل و مردم آبادان

در مقابله با حکومت فساد و جنایت است. حزب کمونیست کارگری صدای اعتراض شما خانواده ها و مردمی است که برای دادخواهی عزیزانتان و خلاصی از شر جمهوری اسلامی بپا خاسته اید.

نابود باد مافیای اسلامی و جنایتکار حاکم! کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- ۳ تیر ۱۴۰۱، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۲ این پیام در پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قرائت شد

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مبارزات و دادخواهی شما خانواده های جانبختگان متروپل، شما مردم آبادان و خواست آزادی فوری دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی و معرفی و محاکمه علنی و فوری مسببین این جنایت آشکار، حمایت میکند. متحد و متشکل شدن همه خانواده های دادخواه فاجعه متروپل با بهره گیری از تجربه خانواده های قربانیان هواپیمای اوکراینی و مادران خاوران و مادران آبان یک گام موثر

با شعارهای کوبنده علیه حکومت جانپان، حکم به نابودی کل این بساط جهنمی دادید، درود میفرستد. از ترس آتش خشم شما بود که سناریوی دروغین مرگ عبدالباقی پیمانکار فاسد متروپل را ساختند. حکومت میدانند که شما خانواده های جانبختگان متروپل و شما مردم آبادان دادخواهید. میدانند که شما یکپارچه خشم و نفرت علیه کل نظام حاکم هستید. شما مردم آبادان بدرست در بیانیه ای که انتشار دادید خواهان معرفی و محاکمه کلیه مسئولین و ارگان های دخیل در فاجعه متروپل و محاکمه علنی آنها شدید و هم اکنون خانواده ها پیگیر دادخواهی مرگ عزیزان خود هستند.

براستی تکان دهنده و نفرت انگیز است که حکومت جنایتکار حتی معترضین به این جنایت بزرگ و فجیع را هم دستگیر و زندانی کرده است.

فاجعه متروپل آبادان یک جنایت انسانی آشکار بود. فاجعه ای که نزدیک به دویست نفر از عزیزان دلبد شما را قربانی کرد. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری به همه شما خانواده ها و بازماندگان جانبختگان فاجعه متروپل و مردم آبادان صمیمانه تسلیت میگوید و در دادخواهی شما سهیم است.

این فاجعه بحق خشم همه شما مردم را از اینهمه بی ارزش شمردن جان کارگران و شهروندان از سوی مافیای حاکم بر انگیخت و فریاد مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور بار دیگر در خیابانها طنین انداخت.

حزب کمونیست کارگری به همه شما خانواده های جانبختگان و به شما مردمی که محکم و استوار به خیابان آمدید و مافیای جنایتکار حاکم را که مسببین اصلی چنین فجایعی هستند به مصاف گرفتید و



قطعنامه در مورد ملزومات عروج حزب برای کسب رهبری جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی مصوب پلنوم ۵۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

الف- خیزش توده ای اخیر علیه گرانی و الف- خیزش توده ای اخیر علیه گرانی و اعتراض به فاجعه آبادان با شعارهای کوبنده ای که کل حکومت را بچالش میکشد و گسترش و تداوم مبارزات سراسری معلمان و بازنشستگان و اعتراضات کارگری نمونه هائی از آخرین برآمدهای جنبش سرنگونی طلبانه ای است که مشخصا از سال ۱۳۹۶ روند شتابانی یافته و بیش از هر زمان به یک فاکتور مهم در تحولات سیاسی جامعه تبدیل شده است.

ب- خیزش توده ای که از نیمه اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ شروع شد هم از نظر شکل و شیوه های مبارزه و هم مضمون خواستها و شعارها بیش از پیش افق و چشم انداز بزرگ کشیدن انقلابی حکومت و نظم موجود در راستای سیاستها و استراتژی حزب را در برابر جامعه قرار میدهد.

ج- بموازات رشد اعتراضات توده ای ضرورت رهبری و عروج یک نیروی رهبری کننده در میان نیروهای اپوزیسیون، فعالین و توده مردم وسیعا مطرح شده است.

د- گسترش فعالیتهای میدانی حزب در رابطه با جنبشهای اعتراضی بویژه با جنبش کارگری و جنبش معلمان و بازنشستگان و گسترش ارتباطات با فعالین این جنبشها، فعالیت حزب در سطح بین المللی، و نقش ویژه و برجسته کانال جدید در تحولات اخیر که با استقبال فعالین و توه مردم روبرو شده موقعیت تازه ای به حزب بخشیده است.

واقعیات فوق نشان میدهد که هم شرایط عینی جامعه و هم موقعیت حزب در جامعه شکل گیری انقلاب با هژمونی و رهبری حزب را کاملا امکان پذیر کرده است. یکی از ملزومات تحقق این امر عروج حزب بعنوان مطلوب ترین و توانا ترین نیرو علیه جمهوری اسلامی و شناخته شدن آن بعنوان وزنه ای مهم در تعیین تکلیف قدرت سیاسی است.

به این منظور در کنار فعالیتهای تبلیغی و میدانی و سازمانگرانه در عرصه های

مختلف، لیستی از اقدامات و فعالیتهای معین در دستور حزب قرار میگردد. مهم ترین محورهای این فعالیتهای عبارتست از: ۱- واکنش و پاسخگویی سریع رهبری حزب به اظهارات و مواضع مقامات حکومتی در قبال تحولات و اعتراضات جاری بعنوان نماینده و سخنگوی توده

این واقعیات یک رکن مهم معرفی حزب بعنوان حزب شایسته رهبری است.

۴- گسترش حضور عملی و قابل مشاهده حزب در مبارزات خیابانی و در محل کار و زندگی مردم در ایران.

۵- جلب اعتماد و نزدیکی فعالین



مردم ناراضی از شرایط موجود.

۲- تلاش برای معرفی و شناخته شدن هر چه وسیعتر حزب از جانب بخش موثری از فعالین جنبشهای اعتراضی و توده مردم بعنوان نیروی نماینده و متحد کننده و مورد اعتماد و اتکای آنان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی.

۳- نشن دادن قدرت و توانائی های حزب و تاکید بر آن در معرفی حزب در میان توده مردم. واقعیاتی نظیر داشتن تلویزیون ۲۴ ساعته در سه ماهواره، وجود صفی از کادرها و فعالین شناخته شده حزب در عرصه های مختلف مبارزاتی، کمپین ها و فعالیتهای گسترده بین المللی در حمایت از مبارزات مردم ایران، دستاوردهائی نظیر نجات جان دهها نفر از اعدام و سنگسار و متوقف کردن عملی سنگسار در ایران، خراب کردن کنفرانس برلین بر سر استحاله چی های حکومت و به شکست کشاندن سیاست برپائی دادگاههای اسلامی در ایالت انتاریو کانادا، فراری دادن تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی از کشورهای اروپایی، و برگزاری کنگره های شفاف و علنی با پیامهای شورانگیز فعالین از داخل و خارج کشور، تنها نمونه هائی از قدرت و امکانات حزب است که تاکید بر آن باندازه مضمون این فعالیتهای اهمیت دارد.

دادن و تبلیغ چهره انسانی و آزادیخواهانه سوسیالیسم از طرق مختلف نظیر پادکاست و کلیپهای کوتاه ویدئویی و متون ساده و عامه فهم.

۱۰- تلاش برای اظهار وجود علنی فعالینی که خود را سوسیالیست میدانند.

۱۱- شناخته شدن حزب بعنوان حامی و مهمتر از آن نماینده و سخنگوی مبارزات مردم ایران در خارج کشور در سطحی هر چه وسیعتر از طریق کمپینها و سمینارها و سخنرانی ها و فعالیتهای لابی ایستی و بویژه گسترش فعالیتهای آکسیونی در خارج کشور.

۱۲- تاکید بر خصلت ضد سرمایه داری و انسانی کمونیسم و سوسیالیسم بعنوان جنبشی که از مقابله با سرمایه داری در غرب سرچشمه گرفته و جهان بینی ای که پیشرفته ترین دستاورد تمدن غربی است. نمایندگی کردن فرهنگ مدرن غربی در تمایز از ضدآمریکانگری و تصویر ضدغربی که چپ ناسیونالیستی از کمونیسم بدست داده است.

۱۳- تبلیغ پیگیر "منشور انقلاب و رهائی جامعه" و توضیح ارکان و مطالبات آن در معرفی روند حرکت حزب و جامعه بسوی سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی.

رهبری حزب موظف است برای پیشبرد وظایف فوق سیاستها و طرحهای عملی را تدوین کند و همه امکانات حزبی (کانال جدید، دخالتگری میدانی کمیته های رو به داخل، مدیای اجتماعی، تشکیلات خارج، چهره های شناخته شده حزب، سمینارها و کنفرانسها و سخنرانیهای آنلاینی و حضوری در خارج، فعالیتهای لابی ایستی، و کمپینها و نهادهای مورد حمایت حزب و غیره) را بسیج کند و بکار بگیرد.

حزب کمونیست کارگری نماینده و سخنگوی مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی است و تمام تلاش خود را بکار میبرد که با رهبری کردن این مبارزه آنرا به پیروزی نهائی برساند.

جنبشهای اجتماعی به حزب در یک سطح گسترده. معرفی فعالین جنبشهای اجتماعی به جامعه در جهت تقویت جنبش سرنگونی و جنبشهای اعتراضی. فعال شدن بیش از پیش کانال جدید بعنوان تربیون فعالین جنبشهای اعتراضی مختلف در جامعه.

۶- تبدیل کانال جدید به تربیون انقلاب. کانال جدید که فی الحال یک تلویزیون شناخته شده و معتبر در جامعه است میتواند و باید هم صدای حزب را به میان توده هرچه وسیعتری از مردم ببرد و هم صدای اعتراض مردم و فعالین باشد. برای تحقق این امر کانال جدید باید از نظر بودجه و امکانات و پرسنل تقویت بشود.

۷- انتشار هر چه گسترده تر نشریات سیاسی توده ای و متون تبلیغی به زبان ساده نظیر ژورنال و پیامها و کامنتهای کوتاه اودیویی و ویدئویی در رابطه با مسائل روز.

۸- گسترش ارتباط با مردم در ایران از طرق مدیای اجتماعی و تشکیلات علنی حزب. معرفی حزب به توده مردم، عضوگیری وسیع در ایران و مادیت بخشیدن به حضور حزب و اعضای حزب در هر کوچه و محله.

۹- طرح گسترده گفتمان سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی در جامعه. نشان

ما و منصور حکمت و تحولات جاری یاشار سهندی

یاشار سهندی

۱۳ تیر امسال مصادف با بیستمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. به همین سرعت بیست سال گذشت. بیست سالی که جامعه ایران تحولات مهمی را از سر گذراند.

و اکنون نیز تحولات عظیمی در بطن جامعه ایران در جریان است. اعتصاب و اعتراض و تظاهرات، هر روزی، به بهانه ای، مستقیم علیه کل رژیم شکل میگیرد. هر بخشی از جامعه با بحرانی روبرو میشود بی هیچ شک و شبه ای راس حکومت را نشانه میگیرد. "حق خواهی" و "مطالبه گری" - به حق - به خواست همه مردم تبدیل شده است. دیگر این مثل روز روشن است که کل جامعه از حکومت بیزار است و هر بخشی از جامعه از هر اعتراضی تا آن حد انتظار گسترش دارد که منجر به سقوط حکومت گردد. حکومت اسلامی هم دیگر هیچ امری را در رابطه با معضلاتی که مردم با آن دست به گریبانند مربوط به خود نمی داند. به واقع و به عین شرایطی شکل گرفته که لنین آنرا این گونه ترسیم میکند که حکومت ناتوان از ادامه حکومت کردن است و مردم دیگر آن حکومت را نمی خواهند و این وضعیت را انقلاب می نامد. این عین شرایطی است که بر شرایط امروز جامعه ایران حاکم است. دیگر الان حتی راست ترین تحلیلگران و مفسران اذعان می کنند که انقلابی در راه است.

در این بیست سال نیز کمونیسم کارگری نیز تحولات بزرگی را از سر گذرانده و توانسته است مهر خود را بر تحولات جاری در ایران بکوبد. کمونیسم کارگری متشکل در حزب کمونیست کارگری توانست "بعد از نادر" (نادر، نامی که منصور حکمت در تشکیلات حزب کمونیست کارگری به آن شناخته می شد) پرچمدار حزب "گسترش اعتراضات" شد. این دیگر ادعای این حزب نیست، بلکه اعتراف حکومتیان است در درماندگی شان در برخورد با اعتصابات کارگری.

حزبی که در متن تحولات کنونی تاکید می کند: "رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معدل گیری میان جنبشها و یا قرار و مدار سیاستمداران." حزبی که "پیدایش یک رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن یک افق (میداند)، وجود یک رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند. این انتخاب بدوا یک انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم یک افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قبل از بقیه پاسخ میگیرد..... شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند." (منصور حکمت - گفتگو با نشریه اترناسیونال هفتگی - درباره وحدت اپوزیسیون)

بالا بردن انتظارات مردم و گسترش اعتراضات برای رادیکال کردن اوضاع، راه حلی است که منصور حکمت برای تأمین هژمونی سیاسی برای کمونیستها تعیین میکند. امری که امروز بیش از زمان منصور حکمت که این نظرات را ابراز میکرد (دورانی که بقول منصور حکمت "جنبش ملی اسلامی احتمالا هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین" داشت)، ضروری تر شده است. امری که حزب کمونیست کارگری در دستور کار خود گذاشته تا با وسعت و عمق بخشیدن به خواسته های توده مردم عملاً اپوزیسیون راست را به بن بست بکشاند. بطوریکه امروز اپوزیسیون راست در موقعیتی قرار گرفته است که حتی مانند خمینی نمی تواند "خدعه" کند. آنچه که میخواهد انجام دهد و وعده آنرا میدهد همین سیاستهای جراحی اقتصادی جاری اما با

مدیریت جدید است و برای این امر بدون هیچ پرده پوشی از همین الان اعلام کرده است که کمونیستها را باید قلع و قمع کرد و صدای همه را برید.

این روزها که بیش از هر زمان دیگری سرنگونی بوسیله انقلاب توده مردم، احتمال آن شدت گرفته، مسئله رهبری جنبش اعتراضی به مسئله مهم در تحولات جاری تبدیل شده؛ "مردم دنبال رهبر یک تحول سیاسی - اجتماعی میگردند، نیروهای در صحنه را نگاه میکنند و تصمیم میگیرند که با راست بروند یا با چپ. و اگر با چپ رفتند با آن چپی میروند که هژمونی سیاسی دارد، هژمونی فکری دارد، هژمونی سازمانی دارد" (منصور حکمت - سخنرانی آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است)؛ "امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند. در نتیجه رهبری تابعی از انتخاب سیاسی مردم میان یک راه انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است. حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تأمین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری ایران است. (منصور حکمت - گفتگو با نشریه اترناسیونال هفتگی درباره وحدت اپوزیسیون)

برای جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی، طرح وسیع انبوه مطالبات و بالا بردن انتظارات مردم مهم است؛ برجسته کردن شعارهای مانند "معیشت و منزلت حق مسلم ماست" و تبدیل کردن آن به پرچم اعتراضات علیه حکومت اسلامی و آوار کردن آن بر سر کل بورژوازی مهم است و این کاری که حزب کمونیست کارگری انجام میدهد، و این اپوزیسیون راست را آچمز میکند؛ و در عین حال "باید یک جنبش سیاسی زنده باشد که مردم میبینند این قدرت پیروز شدن دارد. میبینند این میتواند برای مثال در ایران به جنبش اسلامی فائق بیاید، جلوی راست غربی، سلطنت طلبها، محافظه کارهای ناسیونالیست، که دیده ایم چه جوامعی پیاده میکنند، بر آنها فائق بیاید، میتواند با

آمریکا، با غرب در یک مناسباتی قرار بگیرد که بتواند بقای خودش را حفظ کند، میتواند جامعه را اداره کند، میتواند در مقیاس وسیع جلوی طبقه حاکم قد علم بکند. اگر این را ببینند آنوقت است که حتی ناباورترین آدمها میگویند باشد این سیستم را امتحان میکنیم. اگر بنا باشد فقط ارشاد کنیم بنظر من جواب نیست. باید حزب سیاسی درست کنیم و باید در جنگ قدرت شرکت کنیم. بنظر من کلیدش این است کمونیسم بعنوان یک حزب زنده سیاسی که از وجناشش اینطور برمیآید که ممکن است بتواند پیروز شود اول خودش را مطرح کند. اگر این بشود آنوقت خیلی از این ناباورها جای خودش را به استقبال و پیوستن میدهد." (منصور حکمت - آلترناتیو کمونیسم کارگری - مصاحبه با رادیو اترناسیونال)

حزب کمونیست کارگری در بیست سال گذشته بعد از منصور حکمت، تمام سیاستش و وجناشش بر این بوده که بتواند در میدان سیاست ایران پیروز باشد. و خود را یک پای مهم بر سر کسب قدرت سیاسی تعریف کرده و به همان نسبت نه از سوی راست، (راست تا توانسته این حزب را سانسور کرده، با این وجود منکر این نشده است که میتواند قدرت را بدست گیرد) بلکه از سوی کسانی که خود را چپ میخوانند اما همچون جزیره های سرگردان در دنیای سیاست ایران از سویی به سویی میروند، مورد بیشترین حملات قرار گرفته که چرا حزب کمونیست کارگری در پی هر تحولی خود را آماده می بیند که بتواند قدرت را بدست گیرد. "مبصران اجتماعی" دیگر به داوران بد عتق فوتبالی تبدیل شدند که مرتب به سود حریف سوت می کشند و بازی را خراب می کنند.

از روز 13 خرداد 1401 به این سو گویا دنیا با پخش مستقیم سخنرانی "شاهزاده" به آخر رسیده است. و وامصیبتا راه انداختند که همه چیز از دست رفت! کسانی که قرار بود از گروه فشار تبدیل به حزب سیاسی شوند، خود را در مقام همان گروههای فشار یافتند؛ اینبار اما علیه حزب کمونیست کارگری. ایشان با نگرانی و ایجاد دلهره و ترس خبر دادند در اتاق های فکر سازمان سیا، به همراهی



از صفحه ۱۰

ما و منصور حکمت و ...

مسئله روز ماست و با آن به شدت درگیریم، اما بزرگترین درسی که از منصور حکمت آموختیم این است که خود ما به عنوان یک جریان، به عنوان یک فرد و به عنوان یک خط فکری، تحلیل را نه صرفاً برای تحلیل بلکه برای تغییر باید بکار گیریم. برای این مهم نمی توان در سر فصل های کتابهای مارکس در مورد تحولات امروز نعل به نعل جوابی یافت، بلکه روش و متد مارکس را باید فرا گرفت و اکنون هم در مورد خود منصور حکمت همین حکم صادق است.

و متأسفانه در این بیست سال شاهد بودیم چگونه بعضاً حتی کسانی که خود را کمونیستهای کارگری منفرد میخوانند، به تکیه کلامها، یا بکار بردن واژگانی در متن یک تفسیر و تحلیل که منصور حکمت بکار برده هم رحم نکردند و از حیز و انتفاع آنها را ساقط کرده اند. این موضوع اما به همین جا ختم نشده بلکه هر نام خاصی که منصور حکمت بر تلاشی معین برای تعمیق نظرات خود گذاشته بود آنرا نیز مصادره کردند تا به مخاطب خود القا کنند که از آنها ارتودوکس تر توی دنیا پیدا نمیشود.

به نظر میرسد این سرنوشت محتوم همه شخصیتهای بزرگ تاریخ است که ایده ها و اعمالشان نقطه عطفی مهم در تفکر و پراتیک انسانی بوده تحریف و دستکاری شود. اما این سرنوشت بظاهر محتوم، دلیل عینی و سیاسی دارد، که خود موضوع بحث دیگری است که از آن میگذریم.

بخشی از نظر منصور حکمت را در سخنرانی او با عنوان "آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است" را در انتها یادآور میشوم تا شاید کسانی که از روز ۱۳ خرداد به این سو شب و روزشان را قاطی کردند کمی متوجه شوند که قوانین بازی را فقط بورژوازی تعیین نمیکند:

"... اما طرفدار غربیها نقطه قدرتشان چیست؟ اولاً در مقیاس وسیعتر تاریخی، یک جریان اصلی در بستر سیاست هستند. یک جریان حاشیه‌ای نیستند. نماینده نوعی ناسیونالیسم در ایران هستند. نماینده نوعی بوروکراسیسم و سکولاریسم

ناتواز جمهوری اسلامی قطع امید کردند و شاهزاده(با یک سخنرانی) شد رهبر اعتراضات(!) و نیز خبر داده اند بیشتر محتمل است که جامعه دوباره به جمهوری اسلامی تمکین کند و هیچ اتفاقی نیفتد. یا اینکه سوریه ای شدن ایران بیشتر محتمل است تا اتفاق دیگری! حرف زدن از انقلاب، الکی و دلخوشکنک است! ایشان از انبوهی اعتراضات مردمی نمی توانند خود اعتراضات را ببینند. یکی از ایشان فرمودند باید یک روز چهارشنبه ای کارگران با شعارهای خاص کمونیستی وسط خیابان باشند تا معلوم شود رهبری با چه است تا شاید ایشان راضی شود!

و این همه هیاهو حتی کسی را ارشاد نمی کنند بلکه ایجاد رعب و هراس میکند و نتیجه منطقی آن این است که همین جمهوری اسلامی تداوم باید بهتر است. و از ایجاد این فضای ترس و رعب از اپوزیسیون بورژوازی قصدشان بیش از آنکه افشای اپوزیسیون راست باشد تدارک حمله همه جانبه به حزب کمونیست کارگری است. حتی کار به کینه توزی شخصی علیه حمید تقوایی کشیده است. کاری با شاهزاده ندارند جز اینکه تاریخ نیاکانش را به رخ اش بکشند. اما تا دلتان بخواهد متلک و لیچار و توهین به طرف حزب کمونیست کارگری و حمید تقوایی پرتاب میکنند.

در اینجا قصد دارم نقل قول دیگری از منصور حکمت را یادآور شوم که اشاره اش به احتمال قدرت گیری مجدد سلطنت طلبان است. اما بیش از آن باید متذکر شوم صرفنظر از اینکه نقل قولهایی که در این یادداشت استفاده شده با توجه به اینکه نظرات منصور حکمت بر بطن تحولات گفته شده که اکنون هم به نوعی

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

چفت میشویم. و اگر روند را اینطور ببینیم که به سمت گسترش اعتراضات میروند، میتوانیم فرض کنیم که تناسب قوا به نفع کمونیسم کارگری می‌چرخد." و برای این امر به قول مارکس تئوری باید به دل توده مردم بنشیند و "زمانی به دل توده ها خواهد نشست که رادیکال باشد. رادیکال بودن یعنی به ریشه قضایا پی بردن. اما برای انسان، ریشه چیزی نیست جز خود انسان." و برای جامعه ای که از هر منفذ صدای اعتراض برخاسته و در جستجوی کرامت انسانی خود است این زمان بهترین و مناسبترین فرصتی است که کمونیسم کارگری، حزب کمونیست کارگری میتواند به رهبر جامعه تبدیل شود. چون پشتش به تئوری رادیکالی گرم است که همه خوشبختی و همه آزادی را برای کل جامعه می‌خواهد؛ که بدون رهایی کل جامعه، رهایی کارگر ممکن نیست.

در بیستمین سالگرد درگذشت منصور حکمت، ما هستیم و یک جنبش وسیع توده ای که به پشتوانه کوه عظیمی از تئوریهای منصور حکمت، از در افزوده های او به مارکسیسم میتوانیم رهبر جنبشی باشیم که تنها منجر به سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه نمی گردد بلکه کل جهان بورژوازی را به لرزه مرگ خواهد انداخت. منصور حکمت در زمان حیات خودش از روزنه ای گفت که به روی کمونیستها گشوده شده و شکوه آنرا به تصویر کشید. اما این روزنه اکنون به یک شکاف عظیم تبدیل شده که میتواند امید به زندگی را به جامعه بشری بازگرداند که در زیر سلطه بورژوازی در آستانه نابودی کامل است.

تیر ۱۴۰۱

در ایران بودند. اینها کسانی هستند که مدارس را آوردند، دانشگاهها را ساختند، جاده کشیدند، آسفالت کردند. اینها کسانی‌اند که جامعه را از سیستم فنودالی به سیستم سرمایه داری منتقل کردند. مردم همین را هم از اینها یادشان است. بعلاوه اینها از نظر غرب بستر اصلی سیاست هستند. هیچ چیز حاشیه‌ای و فرقه‌ای در مورد اینها وجود ندارد.... ولی نقاط منفی‌شان چیست؟ یک بار مردم اینها را انداخته اند. در خاطره و حافظه زنده مردم ایران هست که ما یک بار اینها را انداخته‌ایم....

عده‌ای ممکن است بخواهند احیاء بکنند، مشکل اینها در نتیجه سر کار آمدن نیست، مشکلاشان اعاده است و اعاده قدرت ساقط، وقتی این قدرت به شیوه توده‌ای ساقط شده است، کار بسیار سختی است. انقلابی پدیده‌ای را ساقط کرده و اینها می‌خواهند اعاده کنند....

به نظر من رهبر سیاسی‌شان اگر بنا باشد ادعای سلطنت داشته باشد، از حالا باخته‌اند. اینها با گره زدن جنبش طرفدار غرب محافظه کاری به شکل سلطنتی بزرگترین خدمت را دارند به چه می‌کنند." منصور حکمت "برای ثبت در تاریخ" تئوری جنبش کمونیسم کارگری را ساخته و پرداخته نکرد، بلکه هدف او توده ای کردن تئوری برای تغییر شرایط فاجعه بار کنونی بود. و در این مورد هم چقدر بی تابی میکرد و همگان را دعوت به سوار شدن به قطار میکرد که از ایستگاه راه افتاده بود. او در سخنرانی فوق الذکر تأکید میکند: "هر چه اوضاع رادیکالیزه شود تئوری رادیکال برد بیشتری پیدا میکند، برنامه رادیکال برد بیشتری پیدا میکند. رهبران رادیکال بیشتر در دل مردم جای میگیرند. در نتیجه ما با گسترش اعتراضات



نامه سرگشاده اعتراضی ده خانواده در مورد پرونده سازی های امنیتی



آزاد کنند و بیش از این آن‌ها و ما را عذاب ندهند. حزب کمونیست کارگری در کنار این خانواده‌ها بر آزادی فوری و بدون قید و شرط عزیزان بازداشت شده، معلمان دربند و کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تاکید دارد. با قدرت اعتراضاتمان در زندانها را بکشاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ تیر ۱۴۰۱، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۲

مقامات زندان و بازجوها در برخورد با بازداشتی‌ها و اعضای خانواده‌شان، مصداق بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً خاتمه بیابد. از تمام همکاران و همراهان و نهادهای مدافع حقوق کارگران و معلمان در ایران و جهان تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی این عزیزان، از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولان قضایی بخواهند تا فوراً آنان را

نامه سرگشاده اعتراضی ده خانواده در مورد پرونده سازی های امنیتی و ادامه بازداشت ها

در بخشی از نامه سرگشاده خانواده های این بازداشت شدگان چنین آمده است: "نزدیک به دو ماه، اعضای خانواده ما را در بازداشت موقت نگاه داشته و با انفرادی و بازجویی های مکرر تحت فشار قرار داده اند. در کجای دنیا چند معلم و کارگر زحمتکش و خوشنام را که هیچ جنایتی نکرده اند، در خیابان جوانان مردم را با گلوله نکشته اند، حق دیگران از زندگی را نذر دیده اند، اختلاس نکرده اند، مال مردم را نخورده اند، سرمایه های عمومی را بالا نکشیده اند و خانه مردم را روی سرشان ویران نکرده اند، اینگونه آزار می دهند؟ جرم پاره های تن ما جز انسان دوستی و دفاع از ابتدایی ترین حقوق کارگران و فرهنگیان چیست؟ چرا عزیزان ما که به حق طلبی و دیگرخواهی بازند عام و خاص اند، باید طی سال های متمادی اینچنین آزار ببینند، زندانی شوند، با انفرادی شکنجه ببینند و هدف پرونده سازی های دروغین نهادهای اطلاعاتی و نمایش های شرم آور و غیرقانونی صدا و سیما قرار بگیرند؟"

در بخش پایانی این نامه چنین آمده است: "ما به عنوان اعضای خانواده بازداشت شدگان اخیر، خواستار توقف فوری پرونده سازی های دروغین علیه عزیزانمان و پایان یافتن بازجویی های مکرر و موهن و تهدیدآمیز آن ها هستیم. هیچ توجهی برای برای تداوم بازداشت آنها وجود ندارد. تهدیدها و توهین های

به تاریخ هفتم تیرماه نامه ای سرگشاده از سوی خانواده های جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بداقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، و مسعود نیکخواه در اعتراض به ادامه بازداشت عزیزانشان منتشر شده است. دادخواهی این خانواده ها مربوط به شماری از فعالین معلم، کارگری و فعالین اجتماعی است که در جریان یک پرونده سازی مسخره بدنبال بازداشت دو فعال کارگری تبعه فرانسه به اسامی ژاک پاری و سیسل کولر بازداشت و با اتهامات امنیتی و نخ نمایی چون "همکاری با دسیسه جاسوسی" دو ماه است که در زندانند. حکومت طی این مدت این افراد را زیر شدید ترین بازجویی ها قرار داده است. آنها را ممنوع الملاقات کرده اند. خانواده ها را تهدید کرده اند که اگر سکوت نکنند ماجرا پیچیده تر خواهد شد و با تمدید مدت بازداشتها بازجویی ها ادامه دارد. یک تلاش رژیم وادار کردن دستگیر شدگان به اعترافات اجباری است. در همین رابطه دستگیر شدگان با اعتصاب غذا و با رساندن صدای اعتراض خود به بیرون از زندان اعلام کرده اند که زیر بار این تهدیدات نمیروند آنها جرمی نکرده اند و دیداری ساده با دو فعال کارگری اروپایی جرم نیست. از جمله هم اکنون رضا شهابی و حسن سعیدی در اعتصاب غذا بسر میبرند.



وثیقه و موقتاً از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج آزاد شد. پرونده امنیتی او باید فوراً مسدود گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ تیر ۱۴۰۱، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

چند خبر در مورد اعتراضات کارگران و معلمان معترض

- روز ۶ تیر خانواده ۴ معلم بازداشت شده در دیواندره به اسامی امید شاه محمدی، هیوا قریشی، پرویز احسنی و کاوه محمدزاده در اعتراض به دستگیری عزیزانشان و ادامه بازداشت آنها مقابل دادگاه این شهر تجمع کردند.

- روز دوشنبه ۶ تیر صادق کنعانی از معلمان و فعالین صنفی بازداشت شده سنندج پس از ۶ روز بازداشت به قید

که از ابتدای سال تا کنون مزدی دریافت نکرده اند.

- صبح روز دوشنبه ۶ تیر کارگران شرکت ایران افق (پایدار غرب آبان و تعمیرات چشمه خوش) در اعتراض به تعویق افتادن پرداخت حقوقهایشان دست به اعتصاب زدند. بنا بر خبر رانندگان این شرکت ۵ ماه و کارگران شاغل در آن ۳ ماه مزد طلب دارند.

- روز ۹ تیر شماری از کارگران شهرداری هویزه در اعتراض به تعویق سه ماه حقوق خود دست به تجمع زدند. بنا بر خبر بیش از ۲۰ شرکت نفتی در شهرستان هویزه مستقر هستند که حق آلایندهای به شهرداری نمی پردازند و شهرداری نیز این را بهانه ای برای عدم پرداخت مزد کارگران کرده است. در شهرداری هویزه ۱۴۰ کارگر شاغل هستند



۷ تیر: ادامه اعتصاب گسترده داربست بندان نفت و تجمع کارگران اورهال پالایشگاه نفت تهران

علاوه بر کارگران داربست بند، کارگران اورهال شاغل در پالایشگاه نفت تهران نیز در روز هفتم تیرماه برای دومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتراض این کارگران به افزایش اجباری ساعات کاری و دستمزدهای نازل با توجه به گران شدن هر روز بیشتر قیمت اجناس است. در این روز این کارگران در محوطه شرکت تجمع کردند و بر خواسته‌هایشان تأکید کردند.

۷ تیر ۱۴۰۱، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۲

را طلب کنیم. منفعت همه ما از داربست بند تا فیتور و کمکی و رنگ کار و جوشکار و برق کار و نیروی اورهال در پیروزی این اعتصاب است. اگر اعتصاب ما موفق شود و بتوانیم پیمانکاران را وادار کنیم تا خواست بیست و پنج میلیون تومان ما را بپذیرند بنابراین در حالت طبیعی دستمزد سایر همکاران از جمله فیتور و کمکی هم بالا تر خواهد رفت. پس دست به دست هم داده و متحدانه اعتصاب خود را جلو ببریم.

اعتصاب کارگران داربست بند نفت دامنه دارد. دامنه آن به یازده مجتمع و به بیش از بیست شرکت پیمانکاری کشیده شده است و بنا به گزارش شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بیش از سه هزار کارگر داربست بند در آن شرکت دارند. به موازات پیوستن همکاران بیشتری به اعتصاب، کارفرماها و پیمانکاران هم اقدامات اعتصاب شکنانه خود را آغاز کردند. از جمله در پتروشیمی های پادجم و آریا متانول و شرکت اکسیر صنعت در گروههای تلگرامی و واتسآپی آگهی استخدام داربست بند داده شده است. همچنین از کارگران فیتور و کمکی خواسته شده که خودشان کار داربست بندها را انجام دهند که این موضوع در

میان آنها نیز فضای اعتراض را دامن خواهد زد. در این رابطه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن تأکید بر اتحاد و همبستگی در برابر تفرقه افکنی ها و پیوستن همه کارگران داربست بند به اعتصاب، با اعلام اینکه هیچ پیمانکاری نمی تواند و نباید کارگران را به کار دیگری که وظیفه آنها نیست مجبور کند، از کارگران فیتور میخواید که به فشارهای پیمانکاران تن ندهند. از جمله در بیانیه خبری شورای سازماندهی چنین آمده است: "همانطور که کارفرما و پیمانکار و دولت برای استثمار بی رحمانه ما با هم متحد هستند ما هم به همان اندازه باید با اتحاد مان از پس فریبکاری های آنها برآمده و حق مان



اعتراضات در نفت: کارگران رسمی، کارگران داربست بند و کارگران اورهال

مطالباتی چون افزایش حقوقها به بالای ۲۵ میلیون، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها و به رسمیت شناخته شدن حق تشکل مستقما بر توازن قوای مبارزاتی بنفع جنبش کارگری و اعتراضات مردمی تأثیر گذارند. گسترش مبارزات بخش های مختلف نفت گام مهمی در گسترش اعتصابات سراسری کارگری و اعتصابات عمومی در سطح جامعه است. از این مبارزات باید وسیع حمایت و پشتیبانی کرد.

استراحت ادامه دارد و دامنه اش به یازده مجتمع پتروشیمی کشیده شده است. در پالایشگاه تهران نیز کارگران اورهال در اعتراض به اضافه کاری های اجباری و سطح نازل حقوقهایشان از روز ۶ تیر در اعتصاب هستند. به علاوه کارکنان رسمی وزارت نفت با خواسته های معیشتی خود برای ساعت ده صبح روز دهم تیرماه فراخوان به تجمع سراسری در مقابل وزارت نفت را داده اند.

بدین ترتیب بخش های مختلف کارگران نفت با اعتراضاتشان دارند به میدان می آیند. کارگران نفت این بخش شاغل در یک بخش کلیدی اقتصادی جامعه با قدرت مبارزاتشان و با جلو آوردن

اعتراضات در بخش های مختلف نفت گسترش می یابد. ساعت ده صبح امروز هشتم تیرماه جمعی از کارگران رسمی نفت بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده برای پیگیری برخی مطالبات معیشتی خود مقابل وزارت نفت تجمع کردند. یک خواست برجسته فراخوان کارگران رسمی نفت به رسمیت شناخته شدن حق ایجاد تشکل است. طرح خواست برسمیت شناختن حق ایجاد تشکل کارگری یک خواست مهم است و تلاش کارگران برای متشکل شدن را بازتاب میدهد. در عین حال یک اعتراض کارگران رسمی نفت به دزدی ها و اختلاس ها است و در فراخوان اعتراضی خود بر کوتاه کردن دست سایر نهادها از صندوق بزنشستگی نفت و شفافیت عملکرد مالی صندوق بزنشستگی تأکید کرده اند. این کارگران همچنین خواستار ارتقای خدمات بهداشت و درمان صنعت نفت و دیگر خدمات رفاهی برای کارکنان شده اند. افزایش عمومی سالانه ده درصدی حقوقها

که هیچ تناسبی با نرخ تورم ندارد، موضوع دیگر اعتراض کارگران صنعت نفت است. و خواستار ابطال این مصوبه شده اند. کارگران رسمی نفت بعلاوه در فراخوان اعتراضی خود بر این خواسته ها تأکید میکنند: "اجرای کامل ماده ده قانون و وظایف و اختیارات وزارت نفت و محاسبه پرداختی ها از زمان تصویب این قانون، ارتقای پایه سمت های سازمانی، اصلاح ساختار سازمانی، اصلاح شیوه محاسبه افزایش سالانه عمومی و پایان دادن به پارتی بازی های فامیلی، عدم ورود نیروهای مامور از سایر سازمانها به مراکز نفتی، بازگرداندن اضافه مالیات دریافتی از کارکنان، پرداخت کامل پاداش پایان خدمت به بازنشستگان. یک تأکید کارگران رسمی نفت در فراخوان خود بر پیگیری مطالباتشان تا حصول نتیجه بود.

همچنین اعتصاب کارگران داربست بند نفت با مطالبه افزایش حقوقها و اینکه مزد هیچ داربست بندی نباید از ۲۵ میلیون کمتر باشد و ۲۰ روز کار و ده روز

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ تیر ۱۴۰۱، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۲

ادامه تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز

اعلام حمایت شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان از تجمع ۱۱ تیر بازنشستگان

شرایطی تاریخی کنونی که روز به روز ضرورت پیوند جنبش‌های اعتراضی ملموس‌تر می‌گردد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن پشتیبانی و حمایت از تجمعات متحد و سراسری یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان، اعلام می‌دارد که تا رسیدن به مطالبات برحق این عزیزان، در کنار آنان همگام و هم صدا خواهد ماند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با این پیام بازتاب دهنده اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف جامعه است و در حرکت جامعه بسوی اعتصابات سراسری نقش فعال ایفا میکند. بازنشستگان صدای اعتراض همه مردم هستند. از اعتراضات آنها و خواسته‌هایشان باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ تیر ۱۴۰۱، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۲

اعلام حمایت کرده است. در بخشی از پیام شورای هماهنگی چنین آمده است: "بازنشستگان به‌عنوان بخشی از جنبش



مطالباتی سال‌های اخیر، با طرح خواسته‌های برحق و قانونی و در پیش گرفتن سبک کار مبارزاتی آموزنده، توانسته‌اند توجه و پشتیبانی سایر بخش‌های جامعه را نیز به‌خود جلب کنند. یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان، مدرسه ایست که می‌توان درس‌های ارزنده‌ای از جمله اتحاد، استمرار، مقاومت و پایداری را از آن آموخت. در

کامل همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر، پرداخت دیون دولت به صندوقهای بازنشستگی و پایان دادن به

دزدیها و اختلاسها، درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله مطالباتی است که بازنشستگان بارها آنها را در قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایشان اعلام کرده‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران طی بیانیه‌ای از فراخوان یازده تیر بازنشستگان تامین اجتماعی

امروز پنجشنبه ۹ تیرماه بازنشستگان تامین اجتماعی اهواز در ادامه اعتراضات مستمر خود مقابل فرمانداری تجمع کرده و با شعار "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو؟" اعتراض خود را به چپاولها و برنامه جراحی اقتصادی رئیس و عدم افزایش حقوقهایشان اعلام کردند. بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز در تجمعاتشان با بنر "نه به مزد زیر خط فقر هجده میلیون" برخواست افزایش حقوقها به بالای این رقم تاکید کردند.

همانطور که قبلاً گزارش کرده ایم بازنشستگان تامین اجتماعی به خاطر عدم لغو مصوبه هیات وزیران در مورد افزایش تحقیر آمیز ده درصدی حقوقهایشان و برای پیگیری دیگر مطالبات خود برای روز یازده تیرماه به تجمع در مقابل وزارت کار در تهران، در استانها به تجمع در مقابل استاندارها و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی فراخوان داده‌اند. اجرای

۱۱ تیر: تجمعات و راهپیمایی با شکوه بازنشستگان تامین اجتماعی

تجمع داشتند و با شعار "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون" بر پیگیری خواسته‌های خود تاکید کردند.

یک بنر در دست بازنشستگان تاکید بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر هجده میلیونی بود. یک خواست فوری بازنشستگان اجرای کامل همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر ۱۸ میلیونی است. از سوی دیگر بازنشستگان بارها بر خواسته‌هایی چون درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن تاکید کرده‌اند. پایان دادن به دزدیها و اختلاسها و پرداخت دیون دولت به صندوق بازنشستگی از دیگر مطالبات مهم اعلام شده بازنشستگان است. هم اکنون دولت حدود ۴۰۰ میلیارد تومان به این صندوق بدهکار است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ تیر ۱۴۰۱، ۲ ژوئیه ۲۰۲۲

بساط دولت و مسئولین آن و کل حاکمیتند. آنها با نیروی اعتراضاتشان وزیر کار را برکنار کردند و اکنون شعارشان استعفای مخبر معاون رئیس جمهوری



است. از جمله در دزفول بازنشستگان شعار میدادند: "مخبر بی لیاقت، استعفا، استعفا". در شوش نیز بازنشستگان شعار میدادند: "گرانی، تورم، بالای جان مردم"، "رزمندگان دیروز، گرسنگان امروز"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون". بازنشستگان در اصفهان مقابل استانداری

استعفا".

در اراک بازنشستگان با کف زدن و راهپیمایی و با سردادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره

آزادگی، وای از این ظلم، وای از این ظلم" اعتراض خود را به بساط ظلم و بردگی حاکم اعلام کردند. در این شهر بازنشستگان شعار میدادند: "رئیس بی سواد گند زدی به اقتصاد"، و "مرگ بر این دولت مردم فریب". بازنشستگان خواستار جارو شدن کل

بازنشستگان تامین اجتماعی امروز نیز بنا بر فراخوان از قبل اعلام شده در چندین شهر از جمله در اهواز، اراک، کرج، شوشتر، سازی، اندیمشک، خرم آباد، همدان، آبادان، زنجان، کرمان، دزفول، اصفهان، و شوش مقابل استانداریها و تامین اجتماعی تجمع کردند. فریاد شعار "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو" بر فضای خیابانهای این شهرها طنین انداخته بود.

در اهواز جمعیت بزرگ بازنشستگان با شعارهایی چون "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت"، و "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "دولت حیاکن بدهیتو ادا کن"، و "گجای این، عدالته... دستش تو جیب ملته" مثل روزهای گذشته در کف خیابان راهپیمایی کردند و خشم و اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و چپاولگریهای حاکم فریاد زدند. در شوشتر تظاهر کنندگان شعار میدادند: "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو؟"، "مخبر بی لیاقت، استعفا،

ادامه یکشنبه های اعتراض و استمرار تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی

روز ۱۲ تیر بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه یکشنبه های اعتراض خود و اعتراضات پی در پی شان علیه مصوبه تحقیر آمیز افزایش ده درصدی حقوقها و بی پاسخ ماندن مطالباتشان و علیه سونامی گرانی در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات از جمله در شهرهای اهواز، شوشتر، رشت، کرمانشاه برگزار شد.

دراحوال این کانون داغ اعتراضات، بازنشستگان بازم در سطح شهر راهپیمایی کردند و با خواندن سرود "زیر بار ستم، نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" عزم خود را برای مقابله با ستمگریها ابراز کردند. سرودی که در همین روز در تجمع بازنشستگان کرمانشاه نیز سر داده شد و طنین شورانگیز آنرا در شهرهای دیگری چون شوش و اراک و شوشتر هم شنیده ایم.

در اهواز بازنشستگان همچنین شعار میدادند: "دولت قانون شکن شرّت رو از ما بکن"، "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "بدین ترتیب بازنشستگان که با قدرت مبارزاتشان وزیر کار را برکنار کردند امروز علیه کل دولت و کل حاکمیت شعار میدهند و اعتراضشان را به بساط تبعیض و نابرابری حاکم فریاد میزنند. بازنشستگان با شعار "فقط کف

خیابان، بدست میاد حقمون" بر ادامه اعتراضاتشان تاکید دارند.

در شوشتر نیز بازنشستگان دست به راهپیمایی زدند و با شعار "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه" و با سر دست

گفتنی است که روز گذشته نیز بازنشستگان بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در شهرهای کرج، اهواز، اراک، شوشتر، ساری، اندیمشک، زنجان، کرمان، دزفول، اصفهان و شوش تجمع و



اعتراض کردند. راهپیمایی های بازنشستگان و سردادن شعارها از بلندگو فضای پرشوری از اعتراض را ایجاد کرده است.

در حالیکه چند ماه از آغاز سال میگذرد و هنوز تکلیف میزان افزایش حقوق بازنشستگان روشن نیست و دولت رئیسی سیاست تعرض به زندگی و معیشت بازنشستگان را دنبال میکند و مجلس هم میخواهد وقت بخرد، اعتراضات بازنشستگان با خشم بیشتری فوران کرده و آنها خواستهایشان را طلب میکنند.

گرفتن سفره ای خالی اعتراض خود را به فقر و گرسنگی و سونامی گرانی فریاد زدند. در رشت بازنشستگان شعار میدادند: "ما بازنشستگانیم، دنبال حقمانیم". در شوش بازنشستگان مقابل فرمانداری تجمع داشتند و شعار میدادند: "توپ، تانک، فشفشه، مخبر باید گم بشه"، "تنگ ما، تنگ ما، صدا و سیمای ما"، در کرج شماری از بازنشستگان برای تجمع گرد آمدند و جوی نظامی و شدیداً امنیتی در اطراف اداره تامین اجتماعی البرز برای ممانعت از تجمع بازنشستگان برقرار شده بود.

اعتراضات پرشور یکماه اخیر بازنشستگان به سد محکمی در برابر برنامه ریاضتی "جراحی اقتصادی" حکومت و حمله به معیشت کل جامعه تبدیل شده است. بازنشستگان خواستار لغو فوری مصوبه هیات وزیران و تصمیم دولت به افزایش صرفاً ده درصد به حقوقهایشان هستند. در عین حال بازنشستگان بر خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر هجده میلیونی تاکید کرده اند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن از دیگر خواستهای بازنشستگان است و بر آنها با تاکید بر این خواستها در تجمعات اهواز بیان صریح این مطالبات بود. بازنشستگان به چپاولگری ها و خالی شدن صندوق های بازنشستگی اعتراض دارند و خواستار پرداخت فوری دیون دولت به این صندوقها هستند. یک اعتراض دیگر آنها به امنیتی کردن مبارزات است و خواست آزادی اسماعیلی گرامی که در همین اعتراضات بازداشت شده است را بارها فریاد زده اند. از خواستها و اعتراضات بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ تیر ۱۴۰۱، ۳ ژوئیه ۲۰۲۲

کانون های بازنشستگی که دل به روند لاک پشتی و زمانبر مسیر قانونی لغو مصوبه دولت دل خوش کرده اند، با اراده مستقل خود همچنان به اعتراضات و تجمعات تادستیایی به حق و حقوق شان ادامه خواهند داد.

شورای بازنشستگان ایران
برگرفته از مدیای اجتماعی



رنیسه مجلس رفته و نامه لغو مصوبه دولت از طرف رئیس مجلس به دولت ابلاغ شود.

اما دولت از همان ابتدا با سنگ اندازی، اعلام نظر و تصمیم کمیسیون تطبیق را بی تاثیر خواند و تاکنون اقدامی از طرف رئیس مجلس برای لغو این مصوبه انجام نشده است. در این شرایط مجلسیان به تعطیلات تابستانی رفته اند تا در گرمای تابستان مخصوصاً گرمای کشنده خوزستان بازنشستگان همچنان به اعتراضات خود ادامه دهند.

بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی علیرغم فرصت سوزی مسئولان مجلس و سماجت دولت و مماشات کانون های بازنشستگی شهرستانها و شورای عالی

زمان در حال سپری شدن است اما بازنشستگان سرد نمیشوند

بعد از تعلل عامدانه دولت در تأیید مصوبه شورای عالی کار در خصوص دستمزد بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی برای سال ۱۴۰۱ و با اعلام غیر متعارف آن در روز تعطیلی یکشنبه ۱۵ خرداد ماه مبنی بر کاهش افزایش مزد سایر سطوح بازنشستگان این سازمان از ۳۸ درصد حقوق (+۵۱۵ هزار تومان ماهیانه) به ده درصد، از فردای همان روز موجی از خشم و اعتراض سراسری توسط بازنشستگان تامین اجتماعی در مخالفت با تخلف و مداخله غیرقانونی دولت در

افزایش حقوق بازنشستگان هر روز در شهرهای مختلف در حال انجام است تا دولت مصوبه خود را لغو نماید.

در دل این مبارزات و با فشاری که از طرف بازنشستگان سازمان به کانونهای بازنشستگی نیز وارد شد و این کانون ها خود را در معرض انتقادات شدید بازنشستگان دیدند، موضوع به مجلس و کمیسیون تطبیق مصوبات دولت کشیده شد و در نهایت رای بر حقانیت بازنشستگان و غیر قانونی بودن مصوبه دولت داده شد که بعداً قرار است به هیئت

تملک حکومت بر همه صندوق ها و منابع و داشته های بازنشستگان، قطع!

بازنشسته: شهناز کیان

این دولت، این حکومت وقیحانه تر از قبل علیه معیشت زندگی و موجودیت بازنشستگان و همه کارمزدی هار شده و در برابر اعتراضات شان میگوید: به همین صدقات مزدی قناعت کنید وگرنه دشمن این نظام اید."

غامض و دور از انتظار نیست. چون صندوق ها و منابع بازنشستگی را تصاحب ش کرده اند.

این یک سرقت حکومتی و بیشرمی ست! چه وقت و کجا کارگران و نیروهای کارمزدی دور هم جمع شدند و جلسه رای گذاشتند و تصمیم گرفتند یک صندوق بنام بازنشستگی تاسیس کنند و مدام بخشی از مزدهایشان را ببرند بریزند توی آن و با سلام صلوات تحویل "دولت فخیمه" بدهند که هر موقع دلشان خواست جارو کنند ببرند و نوش جان کنند و بعد هم که بازنشسته شدیم کاسه گدائی دست بگیریم و حکومت هم با منت صدقه را بیاندازد تو کاسه هامان؟!

این تعابیر و ادعای حکومتی نفرت انگیز و مسموم و زور گویی پشت اسلحه ای ست که شما حکومتی ها بطرف طبقه کارمزدی (کارگر و بازنشسته و معلم و... این مردم گرفته اید!

تاریخ مبارزات و جدال های طبقه کارگر و توده مردمان برای بهبود معاش و خوشبختی شان، و علیه گنداب و بدبختی های بربریت سرمایه داری را که نمیتوانید زیر خاک کنید؟!

صندوق های بازنشستگی و خدمات بیمه، حاصل خون دل خوردن ها و زندان ها و شکنجه ها و جدال های طبقه کارگر و فرودستان با دولت و حکومت های سرمایه داری در پهنه بین المللی ست.

این صندوق ها و داشته های کارگر و بازنشسته و معلم و... یک دستاورد بزرگ و حاصل پیشروی جنبش بین المللی کارگری (مفهوم وسیع طبقاتی) ست.

از دل انقلاب ها و قدرت گیری شورا های طبقه کارگر و مردمان فرودست در جدال کار و سرمایه بجلو آمد و مهرش را بر تاریخ این جدال ها تثبیت کرد، سرمایه

و حکومت هایشان از آنجا زانو بر زمین سائیدند!

سرمایه داری و حکومت هاشان (از پهلوی تا هم اکنون) در یک توازن قوای سیاسی/اجتماعی سرکوبگرانه به وقیحانه ترین ابعاد ممکن، به پشتوانه ثروت مردم و سودهای دسترنج کار و قدرت زور و قوانین خود ساخته و بنگاه های دروغ و

دارید دروغ میگویند که صندوق ها و منابع بازنشستگان ورشکسته اند. خوب اگر ورشکسته اش کرده اید، این خود مزید بر علت است که باید از صندوق ها و همه منابع بازنشستگان خلع ید شوید. دارید دروغ میگویند! پول های هزاران میلیاردی از پی هم را خودتان برداشته آید و برده اید خرج امورات حکومتی و شخصی تان



کرده اید، به ما بازنشستگان چه ربطی دارد؟ تا همینجا اسناد غارتگری و اختلاس ها و ریخت و پاش هایتان از سفره و جیب خانواده های بازنشستگان آنقدر گویا و به حدی نفرت انگیز و وقیح است که صفت "بیشرم غارتگر" ارفاق به شماست!

نمیتوان به انتظار "تاریخ" نشست، تاریخ همین امروز است و باید همه صندوق ها و منابع و داشته های بازنشستگان را از تملک شما بیرون کشید، باید همه آنچه را برده اید برگردانید! طبق چه اسنادی و به استناد کدام مجوز رسمی با دخالتگری مستقیم بازنشستگان و یا نیروهای کارمزدی، خودتان را مالک و صاحب صندوق ها و دارایی های بازنشستگان نامیده اید؟!

اسناد را منتشر کنید! در شرایطی که میلیونها خانوار بازنشسته در فقر و فلاکت زندگی میکنند، با اجازه کدام مرجع هزاران میلیارد از پی هم را برده اید و برنمیگردانید؟!

هر روز دارید بازنشستگان معترض کف خیابان را که میخوانند با همسان سازی حقوق شان را به کف معیشت بهبود دهند تهدید میکنید و قشون سرشان میریزید، آنوقت اندوخته و داشته هایشان را برده آید آفریقا و لبنان و... مکتب خانه های "خسونت و دارو دسته

های تعرض به مردم راه انداخته اید؟! گیریم (در فرض محال) نسل های گذشته بازنشستگان، صندوق ها و منابع و... و همه اختیارات را به شما واگذار کرده باشند (که از پهلوی تا الان نکرده اند و به زور قشون و سرکوب جنبش های کارگری و اجتماعی و... همه فریبکاری ها گرفته اید)، خوب، اشتباه کرده ایم. درستش میکنیم.

نه تنها صندوق ها و همه داشته های بازنشستگان متعلق به آنان است، که همه ثروت و منابع این جامعه و امکانات حاصل از دسترنج کارمزدی که شما متولیان حکومتی و دار و دسته هاتان اینور و آنور به تملک اختیار و تقسیم غنیمت ر بوده اید، متعلق به کارگر و بازنشسته و معلم و... توده مردمان و سهم شان از زندگی ست. جامعه که مرده نیست، دارد نفس میکشد و هر لحظه فریاد حق خواهی سر داده و جدال های هر روزه اش نماد این سرزمین شده.

چیزی برای ندانستن بازنشستگان و این مردمان وجود ندارد و این وضعیت را نمیپذیرند. خیابان مسیر دستیابی حق و حقوق مان است و آنچه اکنون در میدان مینمایاند تنها نوک کوه یخی است که دارد توسط اینها نمایندگی میشود.

بقول مادران آبان: "اسلحه تان را بگذارید زمین و بیایید وسط".

ما بازنشستگان بسیاریم و خیلی زود این "کانون های درباری" و هر آنچه را که برده اید به قدرت اجتماعی مان تسخیر و پس خواهیم گرفت. مجمع عمومی ها و شوراها، بستر سازمان یابی و قدرت گیری و دخالتگری ماست!

تاریخ ما همین امروز است، ساختارهای غارت و بورکراسی تان بر ثروت و منابع و اندوخته هامان را زیر رو خواهیم کرد، و صندوق ها و داشته هایمان را با منفعت ها و زندگی مان مرتبط و چفت میکنیم!

دانش ما مملکت هیچ حکومت و قدرتی نیست، با زور و اسلحه هم نمیتوانید جنبش های بجلو آمده مان را عقب بکشانید. ما بسیار بیشتریم و خیابان و کارخانه و مدارس و... میدان ماست!



مدافع حقوق کارگران و معلمان در ایران و جهان تقاضا داریم تا ضمن دفاع از حقوق اولیه و ابتدایی این عزیزان، از مقامات جمهوری اسلامی و مسئولان قضایی بخوانند تا فوراً آنان را آزاد کنند و بیش از این آن‌ها و ما را عذاب ندهند. از رسانه‌های جمعی نیز درخواست داریم که دادخواهی و مطالبه ما خانواده‌های کارگران و معلمان بازداشتی را بدون معذوریت انعکاس دهند.

اسامی به ترتیب حروف الفبا خانواده‌های: جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، مسعود نیکخواه

۷ تیر - برگرفته از مدیای اجتماعی

تهدید می‌کنند که در صورت سکوت نکردن، ماجرا پیچیده‌تر خواهد شد. چرا دست از اذیت و آزار کارگران و معلمان و اعضای خانواده‌شان بر نمی‌دارید؟ چرا این نمایش بی‌شرمانه را پایان نمی‌دهید. چرا نمی‌خواهید بفهمید که دیگر این دروغ‌ها خریداری ندارد؟ ما به عنوان اعضای خانواده بازداشت شدگان اخیر، خواستار توقف فوری پرونده‌سازی‌های دروغین علیه عزیزانمان و پایان یافتن بازجویی‌های مکرر و موهن و تهدیدآمیز آن‌ها هستیم. هیچ توجیهی برای تداوم بازداشت آنها وجود ندارد. تهدیدها و توهین‌های مقامات زندان و بازجوها در برخورد با بازداشتی‌ها و اعضای خانواده‌شان، مصداق بارز آزار و شکنجه است و باید فوراً خاتمه بیابد. از تمام همکاران و همراهان و نهادهای

نامه سرگشاده خانواده‌های: جعفر ابراهیمی، آیشا اسداللهی، رسول بدقی، محمد حبیبی، حسن سعیدی، رضا شهابی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی، کیوان مهتدی، مسعود نیکخواه

را نزدیکه‌اند، اختلاس نکرده‌اند، مال مردم را نخورده‌اند، سرمایه‌های عمومی را بالا نکشیده‌اند و خانه مردم را روی سرشان ویران نکرده‌اند، اینگونه آزار می‌دهند؟ جرم پاره‌های تن ما جز انسان‌دوستی و دفاع از ابتدایی‌ترین حقوق کارگران و فرهنگیان چیست؟ چرا عزیزان ما که به حق طلبی و دیگرخواهی زیانزد عام و خاص‌اند، باید طی سال‌های متمادی اینچنین آزار ببینند، زندانی شوند، با افرادی شکنجه ببینند و هدف پرونده‌سازی‌های دروغین نهادهای اطلاعاتی و نمایش‌های شرم‌آور و غیرقانونی صدا و سیما قرار بگیرند؟

حال با گذشت حدود دوماه، نه تنها فشار بر عزیزان ما پایان نیافته، بلکه مسئولین زندان ملاقات ما با این عزیزان را نیز ممنوع کرده‌اند. طی روزهای اخیر، برخورد مسئولین قضایی پرونده با ما خانواده‌های بازداشتی‌ها، پر از اهمال و بی‌توجهی بوده است. در عین حال، ما را

چنان که پیش‌تر در خبرها آمده است، اردیبهشت ماه سال جاری، نیروهای امنیتی با یورش به منزل فرهنگیان و فعالان کارگری، بسیاری از آنان را بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. این بازداشتی‌ها، از اعضای خانواده ما و پاره‌های تمان بودند. به محض دستگیری عزیزان ما، شبکه‌های مختلف صدا و سیما با همکاری دستگاه‌های اطلاعاتی، پرونده‌سازی علیه آنان را آغاز و انواع اتهامات را به ایشان وارد ساختند. تمام علانم، از همان ابتدا، نشان از تلاش عبث دستگاه‌های امنیتی برای فراهم کردن اسباب افترا و تهمت داشت. از همین رو، طی نزدیک به دوماه، اعضای خانواده ما را در بازداشت موقت نگاه داشته و با انفرادی و بازجویی‌های مکرر تحت فشار قرار داده‌اند. در کجای دنیا چند معلم و کارگر زحمتکش و خوشنام را که هیچ جنایتی نکرده‌اند، در خیابان جوانان مردم را با گلوله نکشته‌اند، حق دیگران از زندگی

نسرین جوادی راهی زندان شد

نسرین جوادی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود

در مجموع به ۷ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید و این حکم جنایتکارانه و شنیع در دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور نیز عیناً تأیید گردید. مصادیق اتهامات واهی علیه نسرین جوادی شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و حضور در تجمعات و گلگشتهای کارگری و بازنشستگان برای دفاع از مطالبات صنفی است.

اکنون نسرین جوادی علیرغم بیماری‌های متعدد و مصرف مکرر دارو و نظر پزشکان متخصص بیمارستان دولتی مبنی بر عدم توانایی تحمل حبس، توسط شعبه ۱ اجرای احکام دادسرای اوین به زندان منتقل شد. اتحادیه آزاد ضمن محکوم کردن قاطعانه این حکم نسبت به سلامتی نسرین جوادی هشدار داده و خواستار آزادی فوری وی شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

روز ۱۱ تیر بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران نسرین جوادی بازنشسته ۶۵ ساله، عضو هیأت مؤسس شورای کارگری بازنشستگان تامين اجتماعی (بستا) و از اعضای این اتحادیه برای سپری کردن ۷ سال حکم حبس خود راهی زندان اوین شد. او از دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگری در سال ۹۸ در مقابل مجلس اسلامی بود که در آن مقطع پس از ۲۹ روز بازداشت به قید وثیقه آزاد گردید. سپس به اتهام اجتماع و تبانی جهت اقدام علیه امنیت کشور، اخلاف در نظم و آسایش عمومی و تبلیغ علیه نظام



تصاویری از همراهی اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران، دوستان و خانواده نسرین جوادی با او مقابل زندان اوین روز شنبه یازدهم تیرماه ۱۴۰۱ نسرین جوادی (اعظم خضری جوادی) از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران جهت اجرای حکم ۷ سال زندان به زندان اوین منتقل شد.

همصدا با اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت نسرین جوادی را شدیداً محکوم میکند. احکام شنیع و جنایتکارانه صادره برای نسرین جوانی باید فوراً لغو و پرونده امنیتی تشکیل شده برای او مسدود گردد. نسرین جوادی باید فوراً و بدون قید و

شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (فری دم ناو)
۱۱ تیر ۱۴۰۱ - ۲ ژوئیه ۲۰۲۲
Shahla.daneshfar2@gmail.com
<https://free-them-now.com/>



مبارزه برای افزایش حقوق بازنشستگان؛ تجمعات و تظاهرات خیابانی یا "پیگیری‌های قانونی"



برای

شود.

احقاق حقوق خود است. این جامعه به پخواسته و در رأس آن مزدبگیران و کارگران و بازنشستگان خیلی خوب میدانند که ابطال مصوبه افزایش حقوق بازنشستگان در شرایطی که تورم و گرانی بیداد میکند هیچ دردی از دردهای آنها را دوا نخواهد کرد. آنچه مهم است این است که ابطال این مصوبه یعنی یک قدم عقب نشینی از طرف حاکمان و یک پیشروی در راه مبارزه بر علیه کلیت سیستمی فاسد و چپاولگر برای کارگران و دیگر مزدبگیران و آماده شدن آنها برای پیشروی‌های مهمتر.

هیئت تحریریه رسانه‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران (از مدیای اجتماعی)

ناگفته نماند که بعد از یک هفته از رای ابطال کلی مصوبه‌ی افزایش مستمری بازنشستگان از طرف مجلس و جواب بلافاصله دولت که اعلام کرد "هیات تطبیق قوانین جایگاه قانونی برای نقض مصوبات هیات دولت ندارد" دیگر دولت هیچ اقدامی انجام نداده است. همانظوریکه ما در نوشته‌ای دیگر به آن اشاره کرده‌ایم، اینکه دولت نهایتاً تن به افزایش حقوق ۳۸ درصد بجای افزایش حقوق ۱۰ درصد بدهد همه‌اش بستگی به پیگیری بازنشستگان برای احقاق مطالباتشان و مهمتر از آن به توازن قوا بین بازنشستگان و دیگر مزدبگیران جامعه از یک طرف و حاکمان از طرف دیگر دارد. اما آنچه در این میان بیش از "افزایش" حقوق اهمیت دارد ارتقای آگاهی طبقاتی بازنشستگان و اتکا به نیروی اتحاد جمعی

اوقتی در پانزدهم خردادماه و پس از گذشت دو ماه و نیم از سال ۱۴۰۱، دولت افزایش حقوق بازنشستگان غیرحداقل‌بگیر تأمین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری را ۱۰ درصد اعلام کرد؛ این مسئله باعث ایجاد موج جدیدی از خشم بازنشستگان شد. بازنشستگان در هفته‌های گذشته بجای "یکشنبه‌های اعتراضی" هرروز و در اقصا نقاط کشور به خیابان آمده‌اند. آنها علاوه بر شعارهای همیشگی نظیر "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، "نه دولت نه مجلس نیستند بفکر ملت"، این بار شخص ریسی را هدف قرار داده و با شعارهایی نظیر "رئیس حق با ننگت باد"، "دروغگو حاصل وعده‌هاست کو" و "یا داش باشوا (خاک بر سرت) رئیس!" در زنجان او را مورد حمله قرار داده و مسئول وضعیت فلاکت‌بار خود دانستند. در این میان، دو شعار روزهای اخیر "دولت حیا کن،

بدهیّت ادا کن" و "کجای این عدالته، دستت تو جیب ملته" بسیار سمبلیک بودند. همگی این شعارها نشانه‌ای از درک بالای بازنشستگان از مبارزه طبقاتی و اینکه در شعارهای خود چه ارگان و یا ارگانهایی را باید مورد حمله قرار دهند.

در این میان، اما، نهادهای دست‌ساز حکومتی فوراً به صرافت افتادند تا مسیر مبارزه بازنشستگان را منحرف کرده و آنرا به راههای "قانونی" بکشانند؛ از دولت نزد نمایندگان مجلس شکایت کرده و اظهار امیدواری کردند که "با اقدام نمایندگان مجلس" بزودی حقوق مزدی و قانونی بازنشستگان کارگری "استیفا" شود. نمونه اخیر اقدامات قانونی این حضرات گفتگوی حسن ایزدان (بازرس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران) با ایلنا است که در آن از "پیگیری‌های قانونی" خبر میدهد و اینکه رییس مجلس به رییس جمهور "نامه زده" و خواستار اصلاح مصوبه شده و اینکه همه چیز آماده است تا حقوق بازنشستگان "اعاده"

بیانیه فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در محکومیت سرکوبگریهای حکومت اسلامی

است، احتمالاً به این دلیل که حکومت برای کنترل وضعیت اقتصادی در تقلا به سر می‌برد".

در پایان بیانیه، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، ضمن تأکید بر اینکه دولت ایران نمی‌تواند با سرکوب کارگران مشکلات خود را حل کند، اعلام نمود: "ما از دولت ایران می‌خواهیم که فوراً و بدون قید و شرط تمامی کارگران اتوبوسرانی، معلمان، فعالان کارگری و حقوق بشری را که برخلاف حقوق انسانی خود در زندان به سر می‌برند، آزاد کند. ایران باید به سرکوب کارگران و فعالین صنفی پایان دهد و به حقوق آنها احترام بگذارد." ۷ تیر ۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی و تلخیص شده از نسخه بازنشر شده سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی

یک مورد از آزار و اذیت طولانی مدت رهبران اتحادیه‌های صنفی کارگری توسط دولت ایران است. «ایران علیرغم تصویب کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار، بارها و بارها زیر پا گذاشتن کامل این حقوق اولیه را نشان داده است. حکومت حق آزاده تشکل، آزادی بیان، گردهمایی، اعتراض و اعتصاب را که همه در کنوانسیون‌های سازمان جهانی کار گنجانده شده‌اند، انکار می‌کند».

آی تی اف ادامه میدهد: "اعتراضات کارگری به دلیل اقتصاد در حال فروپاشی ایران آغاز شده‌اند، جایی که هزینه‌های زندگی به طور چشمگیری افزایش یافته است، اما دستمزدها پایین مانده‌اند. در برخی موارد کارگران اصلاً حقوق دریافت نکرده‌اند. واکنش اقتدارگرایانه به اعتراضات در ایران غیرعادی نیست، اما به نظر میرسد این بار بویژه وحشیانه تر بوده

رضا شهابی و بسیاری از مردم خواستار انتقال فوری و به بیمارستان و توقف حبس و شکنجه او شده است. او همچنین با تأکید بر اینکه رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از اعضای فدراسون جهانی کارگران حمل و نقل نیز هست به بازداشت‌های دیگر از میان معلمان و کارگران و کارگران اتوبوسرانی تهران اشاره کرده و از حسن سعیدی یکی از اعضای سرشناس سندیکای اتوبوسرانی تهران به عنوان یکی از این بازداشت‌شدگان نام میبرد که در ۲۸ اردیبهشت بازداشت شده بود و رضا شهابی نیز قبل از او در ۲۲ اردیبهشت دستگیر شده است و همانجا بر عدم دسترسی خانواده به عزیزان بازداشتی خود اشاره میکند. .

استفان کاتن در عین حال در نامه خود تأکید کرده و مینویسد: "رضا شهابی فقط

فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی بیانیه ای اعتراضی به تاریخ ۷ تیر ۱۴۰۱ خواهان آزادی فوری رضا شهابی، حسن سعیدی و دیگر کارگران و معلمان و فعالان بازداشتی از روز جهانی کارگر به این سوی شده است.

استفان کاتن، دبیرکل آی تی اف، در این بیانیه اعلام کرده است که آنها مطلع هستند رضا شهابی در زندان اوین به سر می‌برد و بر اثر ضرب و شتم، مربوط به زندانهای متعدد، از کمردرد شدید و گردن رنج می‌برد. او همچنین یک بیماری مزمن قلبی دارد. او در حال حاضر در اعتراض در اعتصاب غذا است و بنابراین می‌توان انتظار داشت که وضعیت او به طور مداوم بدتر شود.

دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل در ادامه ضمن اشاره به زیر پا گذاشته شدن ابتدایی ترین حقوق انسانی